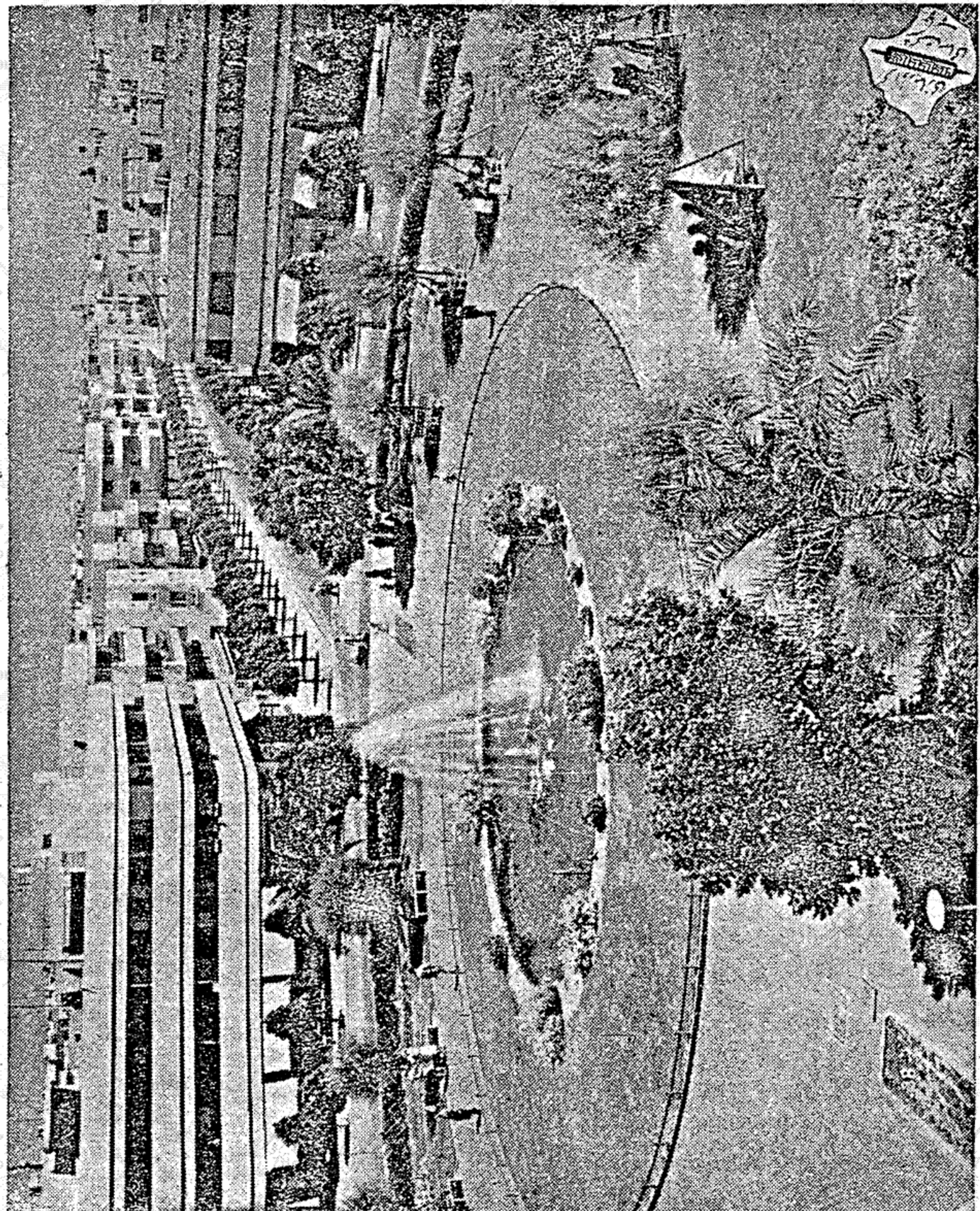


بها ۵ ریال  
قسمت  
۲۵

# عالم امروز

## بهار و تابستان



یک منظره زیبا از شهر «تلاویو» (عروس مشرق) یا (پاریس خاور)

### مژده

مهمانخانه شهرداری  
مهمانخانه شهرداری در تمام مدت سال با بهترین موزیک دائر و برای مهمانی های کوچک و بزرگ و عروسی با نازل ترین قیمت مهیا میباشد.  
مدیر مهمانخانه - محمود پیکانگر  
۳-۱

### میل مقدم

باسابقه چندین ساله میتواند کلی کارهای میل و درب و پنجره و غیره را با ارزاترین قیمت انجام دهد با یک مرتبه امتحان از خوبی و ارزانی استفاده خواهید نمود.  
خیابان استخر جنب محکمه آقای کتر فریدون کشاورز  
تخس حق نظر



بشارت بخانواده های دختر دار  
چهار راه کنت - مغازه بوستان  
همه نوع حوله جات پالتومی قدیم  
رو میزهای کار دستی اصناف و نخهای بافتنی با اجناس خرازی را میتوانید قیمتهای خیلی ارزان خریداری فرمائید سفارشان کلی و جزئی پذیرفته میشود.  
۴-۳

### هنرستان فنی

در دبیرستان اتحاد هنرستان خیاطی بردری دوزی و برش تحت نظر خانم دیلمه از صبح تا عصر دائر و برای تیار مجانی بانوان و دانشجویان آماده میباشد داوطلبان میتوانند هر روز تا ساعت یازده بدقت در دبیرستان مراجعه نمایند ۳-۱

### آگهی

بنگاه متوفیات کلیمیان تهران  
نظر به حسن جریان و مجاهدت کانون خیرخواه و نظارت دقیق در توزیع دارو بین مستمندان خوشبختانه از تعداد متوفیات فقراکاسته شده است - موقتیت و سعادت آن کانون را از خداوند متعال خواستار است - از طرف بنگاه متوفیان کلیمیان تهران - شعبان ژرفی شمس - عبدالله یوم طوب

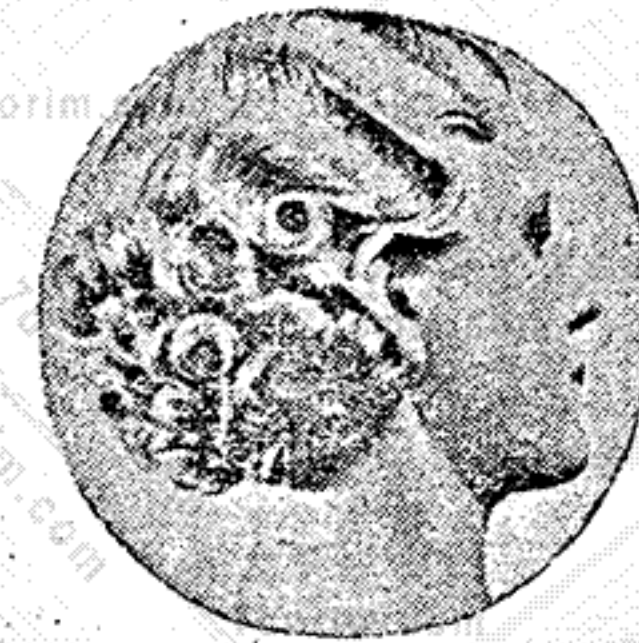
### ن

## آژانس هوام یا دروغ های شاخدار!

اقرار کرده است که هیتلر کشته نشده بلکه بایک «هواییانفشی» به کره ماه فرار کرده است.  
( - پس باید منتظر باشیم کره ماه هم بزودی بیغون و آتش کشیده شود )  
۳-۱

این خبر هم برای چرچیل که اخیراً به امریکاسافرت کرده است از «آژانس هوام» منتشر شد:  
امریکاییها بانگلیسها پیغام داده اند که یانلسطین را بیهودی ها بدهید یا ما چرچیل را عوض «گرو» نگاه خواهیم داشت.  
(۱- گروگان ذیقیتی است آتینیک است )

### آرایشگاه آبراهام



چهار راه کنت خیابان منوچهری  
فرشماهی ۹ ماهه بدون الکتریک  
نند، درشت، سیستم جدید، فرگرم و سرد،  
توالت عروس و ماینیکور باسرع وقت  
قیمت ۶۰ ریال  
۱۰-۵

### بشارت

اخیراً کارد های شعیطاً برای مرغ گوسفند از انگلستان رسیده است و برای مرغ ۱۵۰ ریال و گوسفند ۵۰۰ ریال بفروش میرسد طابین بوسیله هتراهالم بیهود باقای ملامد مراجعه نمایند ۴-۴

### اخطار به مشترکین

مشترکین محترمی که بادریافت این قسمت آیونه آنها بسر میرسد متنی است آیونه خود را با پرداخت ۱۸۰ ریال برای چهل قسمت یا صدریال برای بیست قسمت دیگر تجدید فرمائید ۶-۳۰

شرکت سهامی چاپ

### فائزری

«خبرهای مضحک زیرراهه روزه»  
«باشکال مختلف ازدهانهای مختلف میشوند»  
«ومعلوم نیست فرستنده این قبیل اخبار عجیب»  
«و غریب کدام «دمده» است!»  
۳-۱

... هیتلر پالیاس صربی و ریش بلند در رودخانه دجله مردم را کول میکند و از هر نفری ۳ نلس «یک هبایی» مزد میکیرد!

جد چهارم هیتلر، یهودی و اهل یزد بوده است!  
( - یزدی ها را بد نام کردی )

برای رفع اختلاف بین یهودیان و اعراب فلسطین قرار شده است یک حاخام یهودی و یک آخوند مسلمان بنشینند باهم «مباحثه» کنند هر کدام پیش بردند فلسطین مال آنهاست!  
( - بی انصاف عیب راه حل دیلماسی (۱) پیدا کرده است عقل جن هم به این جور جاها نمیرسد لابد «قاضی» این «مباحثه» هم انگلیسها خواهند بود )

یکی از مرناضین هند هم بکنوع «ببانی» اختراع کرده است.  
نامبرده میگوید بب اتسی که من اختراع کرده ام ابدأ احتیاجی به «اورانیوم» و این رقاس بازیها ندارد!  
یک دعای هوسطری است روی پوست آهو می نویسم میگذازم توی بب یک دانه اش برای دنیا پس است قیمتش هم ارزان! یکی «چهار هبایی» ( نیم رویه )  
( - رقیب پرزوری برای برفسور «ایشتن» پیدا شده است )

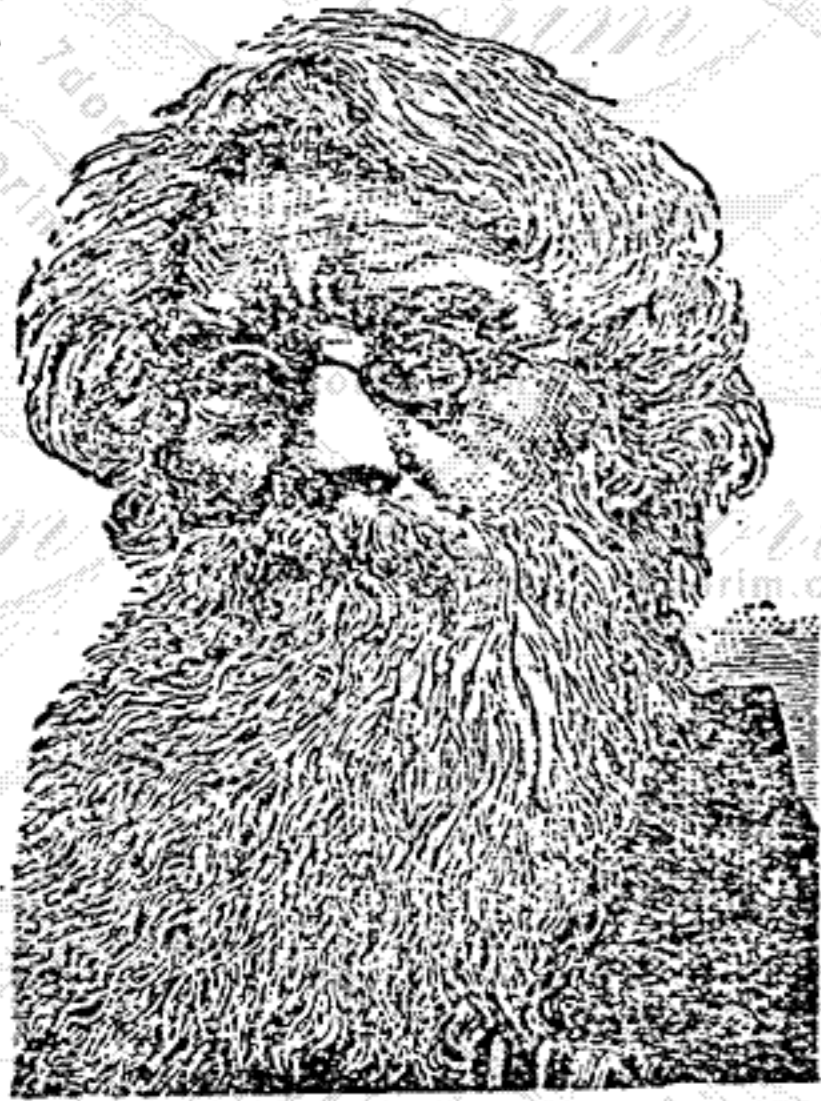
رادویو معنی آلمانها از قول خود هیتلر گفته است ایندنه که سر کار آمدن تمام یهودیها را وزیر و رئیس و ژنرال خواهیم کرد. چون با این ملت نمیشود درافتاد!  
( - مرا بخیار تو امید نیست شر مرسان )

مسوم شدن «گوبلز» وزیر تبلیغات سابق آلمان هم دروغ بوده و نامبرده در یکی از پناهگاه های معنی آلمان در «باویر» مشغول یاد گرفتن زبان عبری است که بعداً بطلسور قاچاق باسم «مهاجر» خودش را در فلسطین جا کند!  
( - روح گوبلز بدبخت را با این دروغها در ته جهنم میرزاند )

گورینگک در دادگاه «نورمبرگ» صریحاً

# بزرگان یهود را بشناسید

شموئیل مورس



شموئیل «مورس» در سال ۱۷۹۱ در یکی از شهرهای آمریکا بنام سرلستون (Srlstun) بدینا آمد پدرش کاهن و از پیشقدمان امور مذهبی بود و نظر باشتیاق زیادی که خود بهلم و دانش داشت فرزند را نیز بر گرفتن علوم تشویق و ترغیب می نمود. مورس از زمان طفولیت میل و علاقه شدیدی بهنرهای زیبا و نقاشی و موسیقی و مخصوصا مجالس ادب و سخنرانی داشت و هنر نقاشی خود را در کشور های بریتانیا و ایتالیا تکمیل نمود و در بازگشت از اروپا در سال ۱۸۳۲ با یکمده از علمائیکه راجع به اختراعات جدید الکتریکی و تلگراف گفتگو میکردند هسفر شد و بعضی رسیدن



بوطن اصلی خود دنباله صحبتانی را که در کشتی شنیده بود گرفته و در اطراف آنها بطالعه پرداخت تا اینکه در سال ۱۸۳۵ مورس پس از تحمل رنج و مرارت زیادی موفق ساختن ماشین آلانی گشت که بتواند بوسیله آنها بامصورد کردن حروف بوسیله خط نقطه در تلگرافات و مخابرات بین المللی تسهیلاتی ایجاد نماید. (باقی در صفحه ۴۳۱)

# چپ راست

آیا خدا هم توانسته است طبق میل مردم رفتار کند و همه کس را راضی و طرفدار خدائی خود نگهدارد؟ افکار و طرز عمل و روش اشخاص نسبت بهم متفاوت است و نمیتوان دو نفر را پیدا کرد که دارای یک عقیده ثابت بوده و در تشخیص کامل قضایا هم رای باشند. بنابراین بملت تفاوت های روحی و جسمی، مادی و معنوی اشخاص، تاکنون کسی یافت نشده که مطابق میل همه کس کار کند. اینست که همیشه ایراد و انتقاد در همه جا رواج و کسانیکه بیشتر در جامعه وارد اند بیشتر مورد حمله و اعتراض قرار می گیرند. البته در امور اجتماعی موافق میل دیگران نبودن یا کار نکردن علاوه بر اینکه عیب و ننگ نیست خود یک هنر و استقلال فکری و اراده ای را ثابت میکند. عمل مخالف میل دیگران وقتی مستوجب انتقاد و ایراد است که صلاح جامعه نباشد.

ایراد و اعتراضات و انتقاداتیکه نسبت بروش این کتاب از چپ و راست شنیده و دیده میشود ما را وادار میکند که موقعیت و طرز تشخیص این کتاب را بوسیله هیئت تحریریه که هر یک بتنهائی دارای عقیده جداگانه ای هستند نمایان کنیم.

عده ای گله مند هستند چرا این کتاب صد درصد درباره امور مذهبی و ملی گفتگو نمیکند. عده دیگر میگویند چرا از فلان اشخاص تعریف نمیکند. عده ای ایراد میگیرند چرا تبلیغات صیونستی نمیکند. عده ای دیگر انتقاد میکنند چرا روش دست چپی کامل اتخاذ نمی کند. عده ای دیگر اعتراض میکنند چرا بر علیه سرمایه داران مطالبی نوشته میشود. عده ای سخت ایراد میگیرند چرا مردم را بر ضد سرمایه داران نیسوراند. یکی میگوید چپی است. یکی دیگر میگوید راستی است دیگری میگوید خیلی ملایم و مباحه رو است. شخصی دیگر میگوید خیلی تند و بی پرده مینویسد.

(نظریات مردم ما را یاد مرحوم ملا نصرالدین میاندازد که روزی با پسر خود در حالیکه الاغی در جلو داشتند راهی را می پیمودند هر عابری که بآنها رسید ایرادی گرفت. یکی گفت با داشتن الاغ چرا پیاده میروند دیگری گفت چرا ای پسر سوار است و بسیاریه. شخصی دیگر گفت چرا پسر جوان سوار و پدر پیر پیاده. آخری گفت چرا دو نفری سوار شده اند. خلاصه آن بیچاره ها هر کاری کردند مطابق میل کسی قرار نگرفت) کتاب عالم بهبود و هیئت تحریریه آن با مردم داستان ملا را تجدید میکند. ولی برای روشن شدن ذهن خوانندگان گرامی لازم است مکررا گوشزد کنیم که این کتاب هدف و مقصد و لی عتیده آنها تأثیری در روش و تشخیص هدف این کتاب ندارد زیرا این کتاب خود دارای روش مخصوصی است و بستگی به شخص یادستای ندارد و خود را باینده قیود هیچ انجمن و مرجعی نمینماید.

تنها روش این کتاب این است که حتی القوه بمعایب اجتماعی جامعه اسرائیل ایران پی ببرد و در پرو تشخیص علل آن معایب «بعد توانائی و استعداد خود» طریق اصلاح و رفع آنرا گوشزد نماید. ما چون اصلاح و ترقی هر جامعه را در سایه اتحاد و برادری افراد آن جامعه و در تحت رهبری یک سازمان منظم و متشکل ملی میدانیم لذا دستهای مختلف و انجمن های رنگارنگی که وجود دارد زاید دانسته و جامعه اسرائیل ایران را مجزا و فرقه فرقه در نظر مجسم نمیکیم بلکه بطور کلی یک هیکل اجتماعی دردمند و نالان و فرسوده و مریض را می بینیم و نسبت بقوه فهم و استعداد خود راه علاج و چاره را پیشنهاد میکنیم و صلاح جامعه و مملکت خود را در نظر میگیریم، بیش از این نمی توانیم توقعات بجا و بیجای اشخاص و دستهای بخصوص را عملی کنیم و گاهی بستم چپ، گاهی راست گاهی بقمب و گاهی بجلو رو آور شویم.

ولی چون این کتاب برای یک دسته بخصوص بوجود نیامده است و در واقع ارگان انجمن و سازمانی نیست لذا نمیتوان طبق میل و اراده همه خوانندگان یا فقط یکمده معینی کار کرد بنابراین ما باینده خوش بینی بکلیه انتقادات میگیریم و ایرادات همه را از در چپه چشم ایراد گیرنده وارد و بجا میدانیم اما بنابستنیات زمان و موقعیت اجتماعی خود نمیتوان از حد معینی که برای خود در نظر گرفته ایم فراتر نرویم باینکه میدانیم که میبایستی روش این کتاب غیر از روش فعلی باشد ولی علاوه بر حیثیت ملی و وجود اتحاد و مودت و عدم توانائی بیشتری ما را بیش از این آزاد نگذاشته است.

تنها توقع و انتظار ما از خوانندگان گرامی اینست که نظریات و انتقادات و پیشنهادات خود را در باره هر قسمتی از این کتاب ارسال دارند تا بتوانیم یاری پروردگار خدمت ناقابل خود را بجامه ادامه دهیم.



جناب آقای مؤتمن الملک



رفیق ویشینسکی

# اخبار مصور هفته

چنانکه در هفته گذشته اطلاع دادیم کابینه آقای حکیمی مستعفی گردید و نمایندگان مجلس شورای ملی برای تعیین نخست وزیر آینده مشغول تبادل افکار گردیدند. در این کابینه های نمایندگان کابینه آقای مؤتمن الملک و آقای قوام السلطنه بیش از همه رای داشتند، بالاخره در جلسه علنی جناب آقای احمد قوام (قوام السلطنه) با ۵۳ رأی بسمت نخست وزیر تعیین و بحضور ملوکاه مرفعی گردیدند.

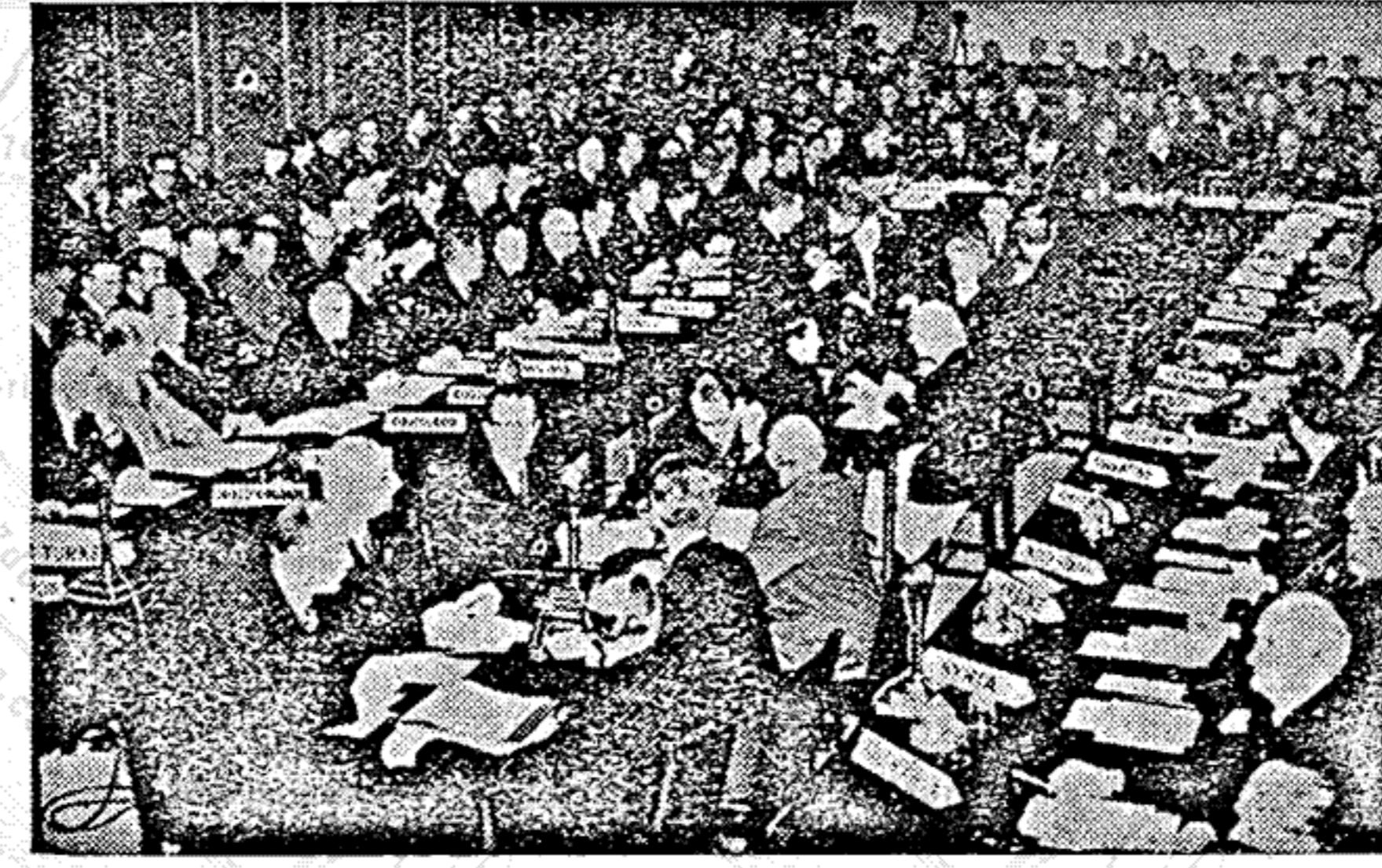
آقای قوام پس از اخذ فرمان نخست وزیر فوراً تلگراف مودت آمیزی به آقایان «اتلی» و «استالین» و «پرس» و «آقایان تقی زاده و سپهلی دستور دادند، مستقیماً بانمایندگان شوروی درجه اول ملل متفق، داخل مذاکره کردند.



جناب آقای قوام السلطنه

صفحه	عنوان
۴۱۹	چپ یا راست - شموییل مورس
۴۲۰	فرهنگ روح ملت است - ترقیات صنعتی ارض اسرائیل
۴۲۱	تاریخ مختصر بهبود - مسئله اقلیت های اسرائیل
۴۲۲	در کشورهای شوروی اخبار دنیای بهبود
۴۲۳	تاسیس کلنی جدید در «میزگاویم»
۴۲۴	شالیانین - کودکان ستاره نشان - اطلاعات دینی خود را بیازمائید.
۴۲۵	چنگ سوم - از گفته های بزرگان - سرشک
۴۲۶	اخبار داخله - تشکر و امتنان
۴۲۷	بهودیان ایران باید در تاملین سعادت ایران شرکت جویند - نمونه قدارکاری
۴۲۸	مادرها بخوانند - برای مردان
۴۲۹	پاسخ اطلاعات دینی خود را آزمایش کنید
۴۳۰	اگر مادر شدید - برندگان جوایز - مسافرت از کرمانشاه به تهران - جدول ترومن
۴۳۱	فاصله نزدیک - مسابقه زیباترین کودکان - شرکت کنید
۴۳۲	زنده بوش - اخبار بشتربکین

عکس سمت چپ نمایندگان کشورهای متفق را در سازمان ملل متفق نشان میدهد



# فرهنگی روح ملت است

نگارش هر سینی (آی)

ثروت واقعی آنست که در درون تو است نه آنکه در بیرون که اولی باقی...

خوانندگان گرام، در اوایل این کتاب در ضمن مقاله ای که راجع به بل و چگونگی بقا و حیات یک ملت در تحت عنوان فوق نگاشته شد باین نتیجه رسیدیم که بیکر اجتماع یک ملت نیز همانند بیکرانسانی از دو عامل جسم و روح تشکیل یافته است که وجود یکی بدون دیگری عبت و بیهوده می باشد، ضمناً عرض شد که جسم یک ملت را افراد قوی بالا اجتماع روح آن و زبان و ادبیات، موسیقی، حس ایمان و درجه فداکاری افراد آن و بالاخره فرهنگ تشکیل میدهند. و از این صغری و کبری باین نتیجه رسیدیم که: پس اگر ملتی بخواهد زنده بماند و زندگی او را بقا و دوامی باشد باید در تربیت و تقویت جسم و روح خود بکوشد یعنی افراد آن قوی و سالم و با یکدیگر متحد و متفق و در عین حال مجتمع و دارای فرهنگ صحیح و عالی باشند.

در آن قسمت فقط راجع به لزوم و اهمیت موضوع بحث شد لیکن اینجا میخواهیم به بنییم چه ترتیب و صوری میتونیم به حیات راجع و شرایط زندگی و زنده ماندن را برای ملت بپوشانیم و اصل مهم ریاضی (کل عبارت از مجموع اجزای مشکله است) را یاد آور شویم یعنی اگر بتوانیم شرایط مساعدی بپوشانیم حیات و ترقی تعالی هر یک از افراد (حیات به مفهوم حقیقی و واقعی) بنهایی ایجاد کنیم؛ حیات و بقای ملت نیز خود بخود تامین است. ولی اینکه چگونه می توان این محیط و شرایط را برای کلیه افراد ایجاد نمود مطلب مورد بحث این دهنه ما است.

بقیده نگارنده آموزشگاه بعد از دامان مادر و محیط خانواده تنها بنگاهی است که انجام این وظیفه خطیر و سنگین را عهده دار است. آموزشگاه باید اولین بنگاهی باشد که به پرریزی و طرح نقشه تشکیل یک اجتماع و ملت قوی (جسم و روحاً) و نیرومند مبادرت ورزد. آموزشگاه اولین و بنگانه مؤسسه ساختمانی و ایجاد بنای یک ملت زنده و بزرگ میباشد که مدیر و ناظم آن بمنزله مهندس و معمار و آموزگاران بجای بنا و مصالح آن نیز یک مشت کودک خردسال و بزرگ میباشد مصالح در ساختمان بنای خوب و بند یکی است و لسی بنای خوب و ماهر و کاردان و صاحب فکر لازمست تا بتوان ساختمانی مجلل و بنایی زیبا و باشکوه بوجود آورد. ولی در اینجا آنچه مربوط بترتیب جسم و تقویت نیروی معنوی میباشد از وظائف معموله یک دبستان است.

ترقیات صنعتی ارض اسرائیل

	۱۹۲۷	۱۹۳۳	۱۹۲۹	۱۹۲۱
شماره کارخانجات	۵۶۰۶	۳۳۸۸	۲۴۷۵	۱۷۴۹
شماره کارگران	۲۹۹۸۶	۱۹۵۹۵	۱۰۹۶۸	۴۴۳۴
سرمایه بلیره نلدطنی	۱۱/۶۳۷/۰۰۰	۵/۳۳۱/۰۰۰	۲/۲۳۵/۰۰۰	۴۸۵۰۰۰
بهای محصولات	۹/۱۰۹/۰۰۰	۵/۳۵۲/۰۰۰	۲/۵۲۰/۰۰۰	-

«المازار کهنصدق»

باید دانست که کلیه تعالیم اخلاقی و معنوی و دستورات اجتماعی و دنیوی که در محیط دبستان به نو آموزان داده میشود در اعماق روح آنها نفوذ کرده

و باین بیان کنید؛ و از نزدیک سری بخانواده های فقیر و بی چیز و اطفال آنها بزنید که نه دردبستانهای ملی برای آنها جامی هست و نه در دبستانهای دولتی آنها را می پذیرند. ضمناً اگر خواستید تکامل نیز به مدارس ملی خود بکنید. آنوقت است که حس ملیت و عاطفه بشری، حس تأثیر از بدبختی دیگران، و وجدان و ندای درونی شما حکم میکند که برای آنها آموزشگاههایی تشکیل داده و بتربیت آنان همت گمارید.

آقایان! ملت ما بیش از هر چیز احتیاج بفرهنگ دار و بیاپید و یک مشت مرده رازنده کنید شما با ایجاد دبستانهای در راه اسرائیل نشین و تمهید فرهنگ بین کلیه کودکان اسرائیل نه تنها سیر فقهی قوم جاو کبری بعمل می آید بلکه افتخار آنرا نیز خواهد داشت که شما هم در تجدید حیات این ملت مشرف بپوت سهم بسزای داشته باشید. و بدانید که انجام این کار از هر امری لازم تر و ضروری تر میباشد و بیش از این بانتظار آن منتهیید که دستی غیب در آید و باین اوضاع بی سر و سامانی ما خاتمه دهد یا شما از خارج بیاید و اطفاً و ترحماً خدمتی بکنید و فراموش نکنید که بشماور کی جز سر انگشت من نخواست کس اندر جهان پشت

# تاریخ مختصر یهود

تحت اعظم و آباد ارض اسرائیل بود بنام سلطنت اسرائیل یا سلطنت «افرائیم» تشکیل دادند و طوایف یهودا و بنیامین و قسمتی از طایفه «لوی» هم زیر پرچم «رحبام» بسر شلومو بنام سلطنت یهودا باقی ماندند بدین ترتیب کشور اسرائیل در حوالی ۹۳۰ سال قبل از میلاد مسیح بدو قسمت تجزیه شد و بالتبع از نیروی هردو طرف کاسته گردید.

ترجمه و نگارش: کرمانیان

۹-

سلطنت افرائیم بواسطه وسعت و وسع و جمعیت زیاد تری که داشت و در اثر روابط تجارتنی بادیگر کشورهای طایفه قوی تر و ثروتمند تر بود تجزیه سلطنت باعث شد که یک سلسله جنگهای خانوادگی دائمی بین این دودسته بوجود آید بدون آنکه هیچکدام از آنها فاتح یا مغلوب گردند.

## سلطنت اسرائیل (افرائیم)

«باربام بن باط» اولین پادشاه سلطنت اسرائیل یا سلطنت افرائیم به تجزیه سیاسی ملت قناعت ننمود و از ترس اینکه مبادا افراد تحت تسلط خود که برای زیارت و عبادت در معبد مقدس به اورشلیم میرفتند کم کم تحت اطاعت سلطنت یهودا درآیند خواست که این تجزیه بامور مذهبی هم سرایت کند و بدین منظور در دو شهر «بیتال» در قلب مملکت و شهر «دان» در شمال دو معبد ساخت و برای تغییر طرز عبادت و پرستش مجسمه گوساله ای از طلا بتقلید کفار مصر در هر یک از آنها جای داد و بجانب ساده لوحان و طبقه زود باور ملت روی آورده و با گفتن: «اینست پروردگار تو ای اسرائیل» آنها را بپرستش و تعظیم بتها دعوت و مجبور مینمود بسیاری از افراد یهود هم که هنوز توانائی درک معنای پرستش خدای نادیده را نداشتند بقول او ایمان آوردند و بدین ترتیب مطابق همسایگان خود بخصوص فنیقیها به بت پرستی پرداختند و بی نهایت از دیگر برادران در فلسو سلطنت یهودا دور افتادند جنگهای برادر کشی هم دائماً بین آنها ادامه داشت زیرا بواسطه تماس دائمی و نبودن مرزهای مشخص و اشتراک ملت در اکثر امور مربوطه و بسیاری چیزهای دیگر این امر یعنی تصادم و بعد از آن جنگ یک موضوع طبیعی و عادی بود تا اینکه در سلطنت افرائیم نوبت سلطنت

به «عبری» رسید در زمان سلطنت عبری (۸۸۵ تا ۸۷۵ ق-م) طایفه آرام که در دوران داوید شکست خورده و اکنون در اثر ضعف و تجزیه نیروهای اسرائیل بسیار قوی شده بود از موقعیت استفاده کرده بجانب سواحل مدیترانه روی آورد در اثر بروز این خطر عبری با سلطنت یهودا قرار داد اتحادی بر ضد آرام منعقد نمود که تا آخر سلطنتش بر قرار بود و در اثر آن تمدنی صلح و صفا بین یهودا و افرائیم حکمروایی مینمود.

عبری در نزدیکی شهر «شخیم» شهر دیگری بنام (شومرون) بنا نموده و آنرا پایتخت خویش قرارداد و دختر سلطان فنیقیه را موسوم به «ایزابیل» بمقد ازدواج پسرش «احاب» در آورد رواج تمدن خارجی و مذهب شرك در دوره سلطنت احاب پسر عبری بمنتهای درجه خود رسید چه ایزابیل شوهر خود احاب را بر آن واداشت که مردم را به پرستش بتهای معروف فنیقیه بنام «بعل» و «عشتورت» مجبور کند احاب نیز شهر شومرون را توسعه داده معابد و مساجدی در آن بنا نهاد و برای ساختمانهای خود املاک مردم را بزور غصب نموده و صاحبان متصرف آنها را میکشت و عملیات ناپسند وی مورد سرزنش و انتقاد سخت و مقاومت پیغمبر «الیاهو هتیشی» قرار می گرفت.

و اما ملت یهود خدای خود را فراموش نمیکرد و در مساجد اجباراً بتهای فنیقی را میپرستید و ضمناً خدای خود را نیز ستایش و عبادت مینمود ولی ایزابیل بان هم اکتفا نکرده و فرمان داد تا پیغمبران اسرائیل و آنرا که هنوز در خدا پرستی با فشاری میکردند نابود کنند و برای این منظور و انجام مراسم دیگر بت پرستی و شرك عده ای از کاهنان بتخانه فنیقیه را بدر بار خود آورده بود ولی خدا پرستان و پیغمبران خداوند که با انتشار مذهب شرك و مخالفت با فرامین تورات مبارزه میکردند باین امر تسلیم نشده و بسیاری از آنان در این راه کشته شدند. عده ای هم بناچار ترك دیار نمودند «الیاهو» نیز (که معمولاً بخصر معروف است) بکوه کرمل پناهنده شد و اغلب بدون ترس شهر آمده و مردم را براه خداشناسی و خدا پرستی و اجرای فرامین تورات خداوند و ترك تمدن و رسوم بیگانه گان دعوت میکرد

از کتاب سر نوشت و آینده یهود ترجمه: الما زار کوهنصدق

## مسئله اقلیت های اسرائیل در کشورهای شوروی

روسیه شوروی که در عهدنامه و رسای شرکت نمود و هیچگونه امضایی زیر پیمان اقلیت ها نگذاشت یک سیستم آزادی ملی بسیار خوبی در کشورهای مختلفه خود برقرار ساخت. ملیتهای مختلفه که اسرائیل هم یکی از آنها بشمار میرود در موضوع زبان و تربیت مذهبی خود آزادی تام دارند و بملأه از طرف مقامات مربوطه همه نوع مساعدتی برای حفظ این آزادی بعمل می آید ولی بشرط اینکه افراد را میهن پرست و دارای مسلک سیاسی کمونیستی بار آورند.

در سال ۱۹۲۶ این مقررات برای نخستین بار در ناحیه (کالینین دورف) واقع در اوکراین جنوبی بپور اجرا گذارده شد زیرا اکثریت جمعیت آن ناحیه را اسرائیلیها تشکیل میدادند یعنی از بین ۳۵۰۰۰۰ نفر اهالی آنجا ۲۵۰۰۰۰ نفر یهودی بودند بنابراین زبان رسمی آن ناحیه (بدیش) شد و حداکثر کارمندان دولتی آنجا از بین اسرائیلیها انتخاب شدند.

از آن تاریخ بپیمه نواحی کوچک دیگری از اسرائیل در اوکراین و کریمه و بالاخره در (بیرو بیژن) واقع در سیبری تشکیل گردید که تحت سر پرستی دولت یهودیان شروع بتأمین کتبهای زراعتی نمودند و بعدها اداره آنها بعهده خودشان واگذار گردید. در سرتاسر اتحاد شوروی ۱۹۱ ملیت مختلفه با ۱۵۳ زبان مختلف وجود دارد و باستانیهای اسرائیلیها «اروبائی» چهار نوع یهودی دیگر در آنجا یافت میشود بشرح ذیل:

«اسرائیلیهای شمالی» «اسرائیلیهای کرجی در قفقاز» «اسرائیلیهای کریمه» و «اسرائیلیهای آسیایی» در بخارا که بزبان های (یدیش) و فارسی عبری صحبت میکنند.

مترجم - زبان (یدیش) را بروسی (ایوریسکی) میگویند و زبان فارسی عبری همان است که از اغلب مهاجرین بخارایی شنیده ایم.



# شالیا این

«موازه فکر کن در بیست و چهار ساعت آینده باجه چیزهای مسرت انگیزی هر قدر هم که کوچک و مختصر باشد رو برو خواهی شد.»

«شالیا این خواننده شهیر روسی»

یکروز هنگام گردش در خیابان جوان غربی با مرد تنومندی مصادف شد و چون آشنائی دیرینه ای بایکدیگر داشتند جوان بزودی شالیا این را شناخت و خواننده شهیر او را بصرف نهار دعوت نمود و گفت، من در مهمانخانه خیابان ۱۰۳ منزل دارم بایکدیگر میرویم، خیلی راه نیست.

جوان گفت: مستر شالیا این از اینجا تا مهمانخانه مسافت زیاد است باید از مقابل شمت عمارت بگذریم، بطور خیلی راه نیست.

شالیا این حرفش را برید و گفت: اینجا تا مهمانخانه بیش از پنج عمارت نیست. جوان دومرتبه باتعجب در جواب گفت: بطور پنج عمارت!

شالیا این تبسمی کرد و گفت از اینجا تا محلی که تیراندازی میکنند بیش از پنج ساختمان نیست برویم، آنوقت خواهی دانست بطور تا مهمانخانه پنج عمارت است. هر دو برآه افتادند و بصحبت ادامه دادند تا بعد تیراندازی رسیدند آنوقت شالیا این اندکی توقف کرد و با رفیقش بشاشا مشغول شد سپس دو مرتبه رفیقش را خطاب نموده و گفت چیزی بهمانخانه نداریم فقط ۱۱ ساختمان.

جوان گفت: مستر شالیا این از اینجا تا مهمانخانه مسافت زیاد است باید از مقابل شمت عمارت بگذریم، بطور خیلی راه نیست.

شالیا این حرفش را برید و گفت: اینجا تا مهمانخانه بیش از پنج عمارت نیست. جوان دومرتبه باتعجب در جواب گفت: بطور پنج عمارت!

شالیا این تبسمی کرد و گفت از اینجا تا محلی که تیراندازی میکنند بیش از پنج ساختمان نیست برویم، آنوقت خواهی دانست بطور تا مهمانخانه پنج عمارت است. هر دو برآه افتادند و بصحبت ادامه دادند تا بعد تیراندازی رسیدند آنوقت شالیا این اندکی توقف کرد و با رفیقش بشاشا مشغول شد سپس دو مرتبه رفیقش را خطاب نموده و گفت چیزی بهمانخانه نداریم فقط ۱۱ ساختمان.

شالیا این تبسمی کرد و گفت از اینجا تا محلی که تیراندازی میکنند بیش از پنج ساختمان نیست برویم، آنوقت خواهی دانست بطور تا مهمانخانه پنج عمارت است. هر دو برآه افتادند و بصحبت ادامه دادند تا بعد تیراندازی رسیدند آنوقت شالیا این اندکی توقف کرد و با رفیقش بشاشا مشغول شد سپس دو مرتبه رفیقش را خطاب نموده و گفت چیزی بهمانخانه نداریم فقط ۱۱ ساختمان.

«حنینا ملامد»

اطلاعات دینی خود را بیازمائید

سئوالات زیر را با دقت خوانده و با آنها پاسخ دهید و اگر نتوانستید با آنها پاسخ صحیح دهید ما جواب صحیح آنها را در صفحه ۴۲۹ برای شما درج نمودیم بشرط اینکه بدیگران هم یاد دهید.

- ۱- اصول دین اسرائیل چند تا است؟
- ۲- احکام الهی که بوسیله حضرت موسی ابلاغ گردید چند تا است؟
- ۳- فرامین امر و نهی تورات چند تا است و چند تای آنها امر و چند تا نهی میباشد؟
- ۴- اولین و آخرین فرامین کدامند؟
- ۵- تعداد پیغمبران و انبیای اسرائیل چند است و چند تای آنها مرد و چند تا زن بوده اند؟
- ۶- تورات دارای چند جلد و چند فصل و چند آیه و چند کلمه و چند حرف است؟
- ۷- میشنا چه کتابی است، چند جلد است و از طرف کی تدوین گشته؟
- ۸- اولین کسی که توحید را بدینا آورد کی بود، تاریخ و محل تولد و رحلتش را بگوئید؟
- ۹- خداوند از حضرت ابراهیم چند آزمایش نمود؟
- ۱۰- اولین پیغمبری که خود و پسران خود را ختنه نمود کی بود؟

## از کتاب کودکان ستاره نشان

# کودکان ستاره نشان

### بقلم: م پشکوف

مطلبی که اکنون نوشته شده و در شماره قبل تحت عنوان «شب قبل از تبید» نوشته شده بود قسمتهای از کتابی است که بوسیله مؤلف فوق الذکر در باره کودکان اسرائیل در کشور های اشغال شده بدست دشمن در جنگ اخیر نوشته شده است. عنوان کتاب «کودکان ستاره نشان» است زیرا در آن زمان یهودیان مجبور بودند که بطور وضوح برای علامت مشخصه یک تکه پارچه زرد بشکل ستاره شش پر «مغفن داوید» که بزبان حال ملیت آنها را معین کند روی سینه خود نصب نمایند کثرت استعمال این علامت باعث شد که مردم این علامات را «ستاره های یهودیان» یا بطور اختصار «ستاره ها» مینامیدند تمام یهودیان مجبور بودند که آنها را بسینه خود نصب کنند حتی کودکان شش ساله. قسمت قبلی و مطلب امروز قطعاتی از نوشته های آن کتاب است در باره «منزل ستاره ها» که در ضمن آن حالات رقت آور بود یهودیان را که هنوز اجازه داشتند در منازل خود زندگی کنند شرح میدهد این «خانه ستاره ها» عمارت ابرائی بود که یهودیانی که باید بنقاط دور دست نامعلوم تبید شوند و آنها را از منازل خود رانده شده بودند در آن توقیف بودند آنها در پشت دیوار های محکم این عمارت روزها و هفته ها میماندند و از همانجا بود که در واکنش سوار شده و بنقاط دور دست باستقبال سر نوشت نامعلوم میشتافتند.

### یک صدا در ظلمت!

ساختمان بزرگ توقیف گاه که روزی عمارت ابرا بوده و امروز برای توقیف موقتی محکومین بکار میرود تخلیه میشود سیل یهودیانیکه باید بنواحی نامعلومی فرستاده شوند آنجا را ترک میکنند و یک نفر زن در حالیکه سیدی در دست دارد بهجمله میدود و قتیکه بدر ورود میرسد سید را جلوی پای یک زن پرستار بزمین میگذارد اسمی هم بزبان میآورد و دو مرتبه بهجمله میرود و دور میشد در سید مذکور یک طفل شیرخواری خوابیده است

## ترجمه گرمانیان

و حالا دیگر بیده زن پرستار است که بدز و مادر کودک را پیدا کند چکند تا در این کوچه های تنگ و تاریک آنها را بیابد؟ کی میداند که آنها کجا هستند شاید تا کنون از بین رفته باشند و با مدتی قبل فرستاده شده باشند؟ اگر این طور باشد هرگز دیگر نمیتوان آنها را یافت.

زن پرستار سید را بلند میکند و بطرف کوچه های تاریک و سیاه قدم بر میدارد و در هر قدم اسم کودک را بصدا بلند میخواند سایه های بزرگ در تاریکی شب از پهلویش میگذرند اینها یهودیانی هستند که بی صدا از کنارش - حرکت می کنند هیچکس بصدا این زن که تاریکی را میشکند پاسخ نمیدهد زیرا هر کس غرق تفکر در باره پریشانی و بیچارگی خویش است مگر نه آنکه همه کی بجای قطاریکه آنها را بنقاط دور دست نامعلوم میبرد در حرکت میباشند؟ پس حق دارند که به بیچارگی خویش بیاندیشند زن هم این سایه ها را دنبال میکند و در هر قدم هم کودک را با صدای بلند میخواند در ایستگاه میایستد و واکنشهای ملو از این جمعیت را که یکی پس از دیگری حرکت میکنند تماشا میکند و سپس در حالیکه خسته و امانده شده و دیگر قدرت حمل سید را ندارد آنها را روی سکوی ایستگاه میگذارد و خود نیز در کنار آن چپانه میزند و هر وقت که چشمش بیک زن و شوهر جوانی میافتد که وارد واگن میشوند در پرتو نور آبی رنگی که داخل واگن را روشن میکند خیره قیافه آنها را ورنه انداز می ناید شاید این زن و شوهر جوان آنها را می شناسد که او جستجو میکند؟ آیا این ها والدین این کودکند؟ فریاد صدای بی که نام کودک را میخواند کم کم مبدل بیک دعای باحرازی میشود: «خداوند! صدای مرا که نام این کودک پینوا را در این تاریکی و ظلمت میخواند بشنو! من مجبورم که اسم این کودک را بلند صدا کنم تا شاید والدینش بفهمند... امامسکن است آنها اکنون از این محل فرستگها دور باشند.» خدای من! از فراز آسمانها بشنک

خداوند! صدای مرا که نام این کودک پینوا را در این تاریکی و ظلمت میخواند بشنو! من مجبورم که اسم این کودک را بلند صدا کنم تا شاید والدینش بفهمند... امامسکن است آنها اکنون از این محل فرستگها دور باشند.» خدای من! از فراز آسمانها بشنک

### از گفته های بزرگان

- ۱- هیچ چیز بیش از یک لبخند تسخیر آمیز دهان رازش نیست.
- ۱۰- مال را هم ارزش جان مشربید و جان بر سر آن مگذارید.
- ۱۱- بکسانی که در زمین هستند رحم کن تا کسی که در آسمانهاست بتو رحم کند.
- ۱۲- بچهره کسانی که که بیش تو تعظیم میکنند خاک بیفشان.
- ۱۳- از کسی که روی نیاز بتو می نماید روی مگردان.
- ۱۴- وطن خود را از جان و دل دوست بدار و در راه ترقی و استقلال آن از جان و مال و هستی خویش مضایقه مکن.
- ۱۵- هرگز خود را بیدار نشمارید! بکشید که بیدار تر باشید، هیچگاه خود را سعادت مند تصور نکنید، جوای سعادت بیشتری باشید و بدانید آن روز که خود را کامل شمرید ناقص تر از همیشه هستید کرد آورنده دوشیزه ۴۰۴

# جنگ سوم

در موقع انفجار وضعت زمین را در گون و عظیم ترین ساختمانها را مثل دود معو میکند در اینصورت کشوریکه آتش جنگ دیگری را روشن کند بنزله انتحار کردن است در حالی که دیگرانرا نیز معدوم میکند.

آیا از جنگ طرفی خواهد بست؟

- ۱- یک گروهیان - خیر گمان نمی کنم جنگ دیگری رخ دهد زیرا از این جنگ درس گرفتیم.
- ۲- یک گروهیان دیگر: با داشتن بپ اتمی در جیب خیر، ولی اگر آنها از دست بدهیم همه چیز ممکن است اتفاق افتد.

یک ملاح - اگر دول دیگر هم بیب اتمی دسترسی پیدا کنند جنگ دیگری ممکن است ولی اگر دول متفق اسرار آنها محفوظ نگاه دارند احتمال یک صلح طولانی میرود.

یک داروساز: پلی در ۲۰ الی ۳۰ سال دیگر بازا بون. مادر مقابل آنها ضعیف هستیم و با بستی آنها را رام نمود کرده باشیم.

یک سر جوخه - در ۱۵ سال دیگر یک جنگ مذهبی باروسها خواهیم داشت زیرا بواسطه دارا بودن افکار متفاوت باهم سازش نخواهیم کرد.

یک سرباز: در عرض ۲۰ سال دیگر یک کشور کوچک طماع مثل آرژانتین مصمم به بدست آوردن بازار های جدیدی میشود: بقیه در صفحه ۴۲۹

### سرشک

خدای من اگر این قطرات شفاف و درخشنده را در نهاد ما بودیه نگذاشته بودی چه میکردیم؟ و قتیکه در برابر مشکلات حیات قرار میگیریم و با از شدت نااملیات و ظلم و ستم بیدادگران بستوه میایم زمانیکه با بی عدالتیها بنام عدالت رو برو میشویم و حق تعظیم و داد خواهی نداریم یا با برده های کذب و دروغ که با کلک و تظاهر مستکران نقش حقیقت بخود گرفته است مواجه میشویم.

مواقیقه چکش های جور و ستم بر پیکر نحیف ما فرود میآید و حق هر گونه چون و چرایی از ما سلب مینمایند امید و انتظار پرتوهای خود را از کالبدمان باز میخوانند و کابوس یاس جای آنها فرا میگردد.

هنگامیکه سوز و گداز فراق قلبان را میکدازد و با اشاره های آن از در پیچه دل بر میغیزد، دنیا در نظرم تیره و تار جلوه گیری میکند و غبار اضجاره جا را میپوشاند. تنها توای مونس منی ای لؤلؤ درخشنده بسراغمان میآی تیر کهای قلب را میدرانی و برده های یاس را میدری، همه را در پشت سرمینوی و با سرعت زیادی نزدیک میشوی آنگاه با مشعل فروزنده ای که همواره در دست داری کانون امیدمان را از تو مشتمل میسازی. پلی تو دوست متظلمان و بیچارگان یار و مونس ستم دیده گان و هم نشین آوار گانی. تود نزد من بسی محبوبی زیرا تورا با یمن گران و مستکران کاری نیست و گذرت بر سر کوی آنان نخواهد افتاد.

باز هم تو ای سرشک !!



### بازدید دبیرستان و دبستانها

در ظرف هفته گذشته آقای سیده بازرگ کل آلیانس در تهران چند روز متوالی تمام کلاسهای دبیرستان اتحاد و دبستان کودکان پائین و دبستان کورش را بازدید و نسبت به پروگرام و طرز تشکیلات و کارهای آنها بازرسی و تحقیقات دقیقی نموده و دستورات لازمه برای بهبود اوضاع آنها داده اند و روپرفته از طرز کار مدیران و آموزگاران ابراز خرسندی و رضایت فرموده اند و نیز عکسهائی چه در دبیرستان اتحاد و چه در دبستان کورش از ایشان و دانش آموزان و اعضای انجمن کورش برداشته شده است.

### حرکت

روز سه شنبه ۹ بهمن ماه آقای سیده نماینده بازرگ کل آلیانس بوسیله هواپیمای از طریق بیروت به همراهی دو نفر از محصلین اعزامی بست پاریس حرکت نمودند. روسای دبیرستانها و دبستانهای اتحاد در ایران و جمعی از محترمین تاسکگاه هواپیمای از ایشان بدرقه نمودند.

### ملاقاتها

در ظرف هفته گذشته از طرف انجمن کلیان کیسیون مخصوصی تعیین گردید که از آقای سیده بازرگ کل آلیانس ملاقات و مذاکرات لازمیه در خصوص تشکیلات آینده مدارس اسرائیل های ایران و تاسیس مدارس جدید و غیره بعمل آورند.

این کیسیون که از آقایان دکتر منتخب اسحق حکیم و موره و غیره تشکیل شده بود از مشارالیه در چندین جلسه ملاقات و در تمام رؤس مطالب موافقت حاصل گردید و آقای سیدت هم قبول فرموده اند که نسبت به تقاضاهای اسرائیل های ایران در نزد آلیانس اقدامات لازمیه بعمل آورند و نیز از طرف عالم یهود از آقای سیده ملاقات و یک دوره عالم یهود طلاکوب بطور یادگار تقدیم ایشان گردید.

### حرکت دانشجویان به پاریس

در سال گذشته در اثر آگهی منتشره از طرف سفارت فرانسه دایر به اعزام ۱۰ نفر داوطلب به بیروت دو نفر از داوطلبان که اسرائیل بوده و قبول شده بودند متأسفانه بواسطه اشکالات صدور ویزا نتوانسته بودند به بیروت بروند ولی هفته گذشته آقایان نامبرده که یکی پسر آقای کوهن مدیر دبیرستان اتحاد و دیگری آقای روح الله آفندی میباشند با طیاره مستقیماً پاریس حرکت نمودند.

### آمدن رؤسای دبیرستانهای ولایات به تهران

چون آقای سیده نتوانسته بودند بولایات برای سرکشی بمدارس شریف ببرند از قرار اطلاع واصله رؤسای دبیرستانهای ولایات برای ملاقات ایشان و دریافت دستورات به تهران آمده و در ظرف هفته گذشته از ایشان ملاقات و پس از کسب دستورات بصوب محل ماموریت خود رهسپار گردیدند.

### یک عمل خیر خواهانه

آقای سلمان دانیل تاجر یهودی عراقی مبلغ یکصد و پنجاه ریال برای فرهنگ عمومی خرمشهر اهداء کرده اند. در ضمن تقدیر از این عمل قابل توجه ما امیدواریم که تجار یهودی ایرانی نیز از ایشان پیروی نموده و بفرهنگ عمومی کشور و مدارس اسرائیل کمک های قابل توجهی بنمایند.

### تب راجعه در تهران

از قرار اطلاع رسیده از کانون خیر خواه از دو هفته قبل باین طرف بین افراد اسرائیل محله تهران مخصوصاً بین قراء تب راجعه شری پیدا کرده که در اثر جدیت و مراقبت کانون بدون دادن تلفات مبتلا به معالجه و مداوا شده و خواهند شد.

### کنسرت در سالون سینما دیانا

در اثر جدیت و فعالیت انجمن بانوان بشغ امور خیریه و تندرستی اطفال بی نوای دبیرستان اتحاد در شب یکشنبه ۶ بهمن جاری کنسرت شکوهی در سینما دیانا از ساعت ۵ تا مقارن ده داده شد.

در این کنسرت بیش از هزار نفر حاضر بودند و از تماشای عیالیه بازیکنان محظوظ شدند مخصوصاً در قسمت کنسرت ایرانی که تحت توجیه برادران نی داود و روح الله دردشتی نواخته شد از طرف عموم ابراز احساسات زیاد گردید در فواصل برده های نمایش ارکستر مترنم و خانم زند رئیس انجمن بانوان باتفاق سایر بانوان از مدعوین پذیرائی گرمی نمودند سایر آقایانک به پیشرفت امور این کنسرت با کیمت بانوان تشریک مساعی نمودند آقایان بنایان ، آقایان میکائیل و فیروزی و رخسار از طرف کانون خیر خواه بودند.

### انجمن روحانی

روز یکشنبه ۷ بهمن جلسه سخنرانی با شکوهی از طرف انجمن روحانی مانند سایر جلسات در مرکز انجمن واقع در سالون کیسیون ملاقات تشکیل گردید که از ساعت شش و نیم شروع و تا ساعت ده دوام داشت.

در این جلسه بدو آقای فرج الله حکیم در اطراف ترقیات اجتماعی و علمی و اقتصادی سایر اسرائیل های دنیا مخصوصاً ارض اسرائیل بیان مفصلی نمودند سپس سخن را ببعاب اجتماعی امروزی اسرائیل های ایران مخصوصاً قمار که سرچشمه معایب میباشد و اخیراً در بین این جامعه در بعضی از منازل رسوخ پیدا کرده است کشیدند سخنرانی ایشان که بیش از دو ساعت و نیم بطول انجامید جدی جالب توجه بود که با کف زدن ممتد مستمعین تعداد آنها بیش از دویست نفر بود استقبال گردید.

### تشکر و امتنان

یکی از اشخاصی که از بدو انتشار عالم یهود تاکنون خدمات گرانبهایی به این نشریه نموده است آقای حنینا ملامد میباشند ایشان تا بحال برای پیشرفت این نشریه از هیچگونه زحمت و خدمتگذاری کوتاهی ننموده علاوه بر اینکه تا بحال مبلغی بطور ورام پرداخته اند در امور حسابداری ، منشی گری ، ملاقات اشخاص ، تهیه اخبار و جمع آوری وجوه باما اشتراک مساعی نموده اند. ما بدینوسیله از زحمات ایشان قدردانی و صمیمانه تشکر مینماییم.



## یهودیان ایران باید در تأمین سعادت ملت ایران شرکت جویند

### بقلم فرهنگ ریمن

نویسنده مسلمان

منجلاهی بنظر آورید که از گل ولای « فساد و جهل و فقر » پر باشد و ماهه در آن دست و پا میزنیم. آیا کیفیت و ماهیت خطری که متوجه فرو افتاده گان در این منجلاست برای فرد فرد آنان فرق دارد؟ و آیا بهترینست که همه آنان دست یکدیگر را بگیرند و خود را از منجلاب بیرون کنند؟ البته که بهتر است. آخر از دست و پا زدنهای افرادی در یک منجلاب خوفناک چه سودی جز فرورفتن بیشتر عاید خواهد شد؟

هم میهنان یهودی من! ماهه از مسلمانان و ارمنی و یهودی و زردشتی باصطلاح « سر و ته یک کرباس هستیم » همه در این مفساد و خرابی ها و مظالم سهم و مقصریم و همه باید باهم یکسواخت در برابر این مفساد و مظالم قیام کنیم و همه باهم در تأمین سعادت اجتماعی و فردی خود بکوشیم، اگر ایران از قید اسارت مشتکی کلاش خائن مفسد رهائی یافت. اگر ایرانی آزاد شد از زند « آزادی » برای همه ما کلامی درست خواهد شد ولی حرف اینستکه باید این نند باتفاق همگی درست و تپه شود نه آنکه هر یک گوشه ای از آنرا بگیریم و هر کدام بسوئی بکشیم. شما باید از اختلافی که با مسلمانان دارید چشم پوشید و در حله نخست خودتان با مفساد اخلاقی و نقاط ضعف اجتماعی خویش مبارزه کنید و خوب شدن را از قید او هام و باطایل و خرافات آسوده سازید و در مرحله دوم خود را بدیگر هم میهنان خود نیز دیک سازید و بکشید که عنوان یهودی شما در نام مقدس و جای دیدان « ایران » مستهکک شود

اگر چنین شد سعادت شما تأمین خواهد شد و خواهید توانست سهم خود در تأمین سعادت ملت ایران بکشید اما؟ اما اگر افکار خود را بخارج از سرز کشور که در آن بسر میرید و آباء و اجداد شما در آن زیسته و کودکان و نوادگان شما در آن زیسته اند یعنی ایران متوجه سازید و باین « اقلیت بازی » ها که به متر له دانه شکار چیان برای صید مرغان است توجه ننایدند تنها از درخت سعادت ثمری عاید شما نخواهد شد بلکه بر آتشی که اکنون خرم هستی ملت ایران را در بر گرفته و آن بان بسوختن و خاکستر شدن نیست و نابود شدن تهدیدش میکند، دامن زده اید. مافقط یک چاره در پیش داریم و آن عبارتست از: وحدت ، اتحاد ، یگانگی. همین و همین

این هفته قرار بود که باین سؤال اجتماعی عنوانندگان یعنی « تکلیف ما چیست » جواب بگویم. من گمان نمیکنم باتوضیحاتی که در دو مقاله گذشته دادم احتیاجی داشته باشم که باین پرسش جواب مفصل بدهم و کافیت من باب تذکر نکاتی را بهم میهنان « یهودی » خود یادآوری کنم. من نمیدانم جامعه یهودیان ایران چه میخواهند؟ یعنی چگونه ، از چه راه و وسیله میخواهند سعادت خود را تأمین کنند. آیا برای خود منافع اختصاصی ناشی از اختلاف مذهب و آداب و رسوم و سنن قائلند و میخواهند یک « اقلیت یهود » در ایران شناخته شده و یکی از اصول پیشنهاد تشکیل کیسیون سه جانی که نوشبختانه در اثر مساعی آزادخواهان ایران از شر آن راحت شدیم، علی گردد یا اینکه عقیده توده یهودی ایران بر اینست که منافع خاص طبقاتی آنان باید در « تلوه » منافع سایر فاعصرتشکله ملت واحد ایران تأمین شود و آنان بتوانند در واحد جغرافیائی ایران از همان مزایائی برخوردار شوند که دیگر افراد ایرانی ، ام از مسلمان و زردشتی و مسیحی ... یا لر و کرد و بلوچ و عرب و ... برخوردارند؟

من از این دو راه حل ، راه دومی را برای شما و تأمین سعادت شما بهتر و عقلاانه تر میدانم زیرا من عقیده دارم که عناصر و دسته های متشکل ملت ایران امروز در تحت شرایط واحد بار مظالم و فشار های گوناگون خارجی و داخلی را تحمل میکنند و بطوریکسان باید بختی و بریشانی و فقر و ظلم و بیداد و اجحاف و قانون شکنی میسوزند و میسازند.

اگر هیئت حاکمه ایران فاسد و نالایق و خائن است ، اگر ادارات ایران تیول و جولانگاه عناصر فاسد و مفرض و دزد است، اگر رقابت دیرین و اعمال خود همسایگان ایران مانع رشد و ترقی ملت و آبادی و آزادی کشور است؛ اگر دستگاه بازرگانی و مبادرت جامعتر « بازار » وسیله توسعه فقر و بدبختی توده مردم و استثمار آنان بوسیله بکشت منفعت خوار شکم کننده بی منز است ... اگر ... آیاتصدق نمیکنید که همه با هم در این بدبختی شریک و سهم هستیم؟ آری همه ، از این اوضاع آشفته و فاسد رنج می بریم .

چون مقالات نویسنده محترم « آقای فرهنگ تر یمن » قابل بحث است بعداً عقاید خود و خوانندگان را درج خواهیم نمود

### نمونه فدا کاری

در یکی از آموزه های اروپا مجسمه دو دست وجود دارد که بهم چسبیده و حالت استغانه را میسراند. این مجسمه کوچک دارای سرگذشت قابل ملاحظه ای است.

در سال ۱۹۴۰ دو نفر شاگرد نقاش با یکدیگر موافقت کردند که یکی از آنها بشغل خود ادامه داده پول تهیه کند و برای رفیق خود که مشغول تحصیل خواهد شد بفرستد ( نام اولی هانس و دومی آلبرخت بود ) آنکه پس از اینکه رفیق تحصیل کرده متول شد زندگی دیگری را تأمین نماید. سکه پولی بعنوان شیر یا خط بهوا برتاب شد و شانس آلبرخت گل کرده پس برای تحصیل نقاشی عالی به و نیز در ایتالیا مسافرت کرد.

دیگری با زحمات فراوان و بیخوابی و محرومیت های زیاد پول گردآورده و برای رفیق محصل خود میفرستاد ... این قضیه از چندین ماه گذشت و بچندین سال رسید. بالاخره آلبرخت بیمین بازگشته و از برکت هنر خود بسیار ثروتمند شده بود نخستین کاری که کرد بسراغ رفیق فدا کار خود رفته و از زیارت او اظهار شغف نمود ولی ملاحظه کرد که بیچاره بر اثر سالهای متداری رنج و زحمت و محرومیت بقدری لاغر و ضعیف شده که انگشتانش لرزان گردیده است. از نظاره این وضعیت اشک از چشمانش جاری شد پس تصمیم گرفت مجسمه ای بسازد که فداکاری و زقاقت او را مجسم نماید و پس از مدتی زحمت این مجسمه را تهیه و تقدیم او نمود.

اگر هیئت حاکمه ایران فاسد و نالایق و خائن است ، اگر ادارات ایران تیول و جولانگاه عناصر فاسد و مفرض و دزد است، اگر رقابت دیرین و اعمال خود همسایگان ایران مانع رشد و ترقی ملت و آبادی و آزادی کشور است؛ اگر دستگاه بازرگانی و مبادرت جامعتر « بازار » وسیله توسعه فقر و بدبختی توده مردم و استثمار آنان بوسیله بکشت منفعت خوار شکم کننده بی منز است ... اگر ... آیاتصدق نمیکنید که همه با هم در این بدبختی شریک و سهم هستیم؟ آری همه ، از این اوضاع آشفته و فاسد رنج می بریم .

بارها پیش خود بتفکر پرداخته و با دل خلوت ندوده ام که چرا دوشیزگان مارنک رو رفته ، یصال ، شل و ول وضعیف - الانداند ، خنده رو و با حال نیستند ، چرا فعالیت ندارند ، چرا سر بزیر و خموده اند ، چرا حزن و اندوه آنان بر نشاط و شادمانیشان میچربد ، چرا سراسر زندگایشان با افسانه های غم انگیز و قصه های حزن آور توأم است ، چرا قیانه آنان در زیر هاله پریشانی مسطور است و چرا . . . .

اگر خوب دقت نمایم و از نظر روانشناسی ببطالعه و بررسی بپردازم ، بیشتر سبب حزن و اندوه آنان معلول عدم تربیت صحیح و پرورش خوب در ایام کودکی است و والدین آنها بعلت سهل انگاری و عدم آشنایی با اصول تعلیم و تربیت ، دوشیزگان را چنین سر بزیر ، خجول و بی نشاط بار آورده اند .

تربیت و پرورش زمان کودکی مانند بی می باشد که کاخ دوره شباب و کهنوت پروری آن ساخته میشود ، زیرا فکر کودک از قید گرفتارنهای زمانه آسوده است و کاری جز خوب دیدن و فکری جز دوست داشتن ندارد همه کارهای از روی بی غرضی است ، رفتار و کردارش بدون قصد جلب نفع و خود نمایی است ، هرچه در دل دارد بر زبان

میآورد از دورویی و نفاق و بدقلبی بومی بشامش نرسیده و حزن و اندوه را نیشناسند فکرش بقدری پاک و بی آلابش و ضمیرش باندازه ای صاف و نقش پذیر است که کوچکترین رفتار و کردار بد یا خوب در آن مؤثر میباشد و نقش ثابت بجا میکند . آن وقت هر قدر کودک تحت افکار پست و شوم یا مضطرب و شایسته قرار گیرد ، بهمان اندازه صفات زشت و با زیبا فرا میگردد و دوره جوانی و کهنوت بی ریزی میکند ، بنابراین خط بزرگ و اشتباه هفت ناپذیر و خطرناکی است اگر کمان کنیم که کودک قوه میزه ندارد و نفهم صرف است و در حضورش مرتکب حرکات ناپسند کردیم .

حال اگر درست دقیق فویم بزودی بی خواهیم برد که بیشتر سبب و علت بی نشاطی و کم حالی آنان معلول عدم پرورش صحیح در دامان مادر است .

تربیت و سنخ عقیده مادران ما طوری است که بیشتر بکار های حزن آور اشتیاق دارند و در گفتگو های دوستانه خویش بیشتر هم و اندوه و سرگذشت شوم خود را یاد آور میشوند و کمتر کرد خوشبختی و شادبهای خود میگرددند و کمتر از سرور ها و زیبایی ها به بحث و گفتگو میپردازند ، بدتر از همه از همان هنگام که طفل قدم بدنی میکند ، گریه او را با اشعار حزن آور آرام

## مادرها بخوانند

میکند و برای خواب کردن آنان ، لالاییهای غم آورو ملال انگیز میخوانند و با عقاید شوم و کهنه پرست خود آنها را بدبین . متاثر و منقوب زerk میکنند روح نشاط را در آنان میکشند ، فعالیت را از آنان سلب میکنند ، اختیار را از آنها میکینند زبان آنها را می برسد ، باهای آنان را با زبان تنه از حرکت باز میدارند شادی و سرور آنها را بزهر تبدیل میکنند و بدون اینکه خود بخواهند بغمند و یا بغبوب و بد این عمل بنگرند از سنخ عقیده خود پیروی مینمایند و کودک را زبون و خجول بار میآورند ، طفل را همیشه با آرامش و سکوت دعوت میکنند و با تند و پرغشاش از بیخ و داد زدن و بازی کردن باز میدارند و با دشنام و زهر خنده او را بجای خود در گوشه محنت کده مینشانند .

بارها دیده و شنیده ام که پدر و یا مادری از بی تربیتی طفل خود شکوه مینماید و او را سخت توبیخ میکنند و میگویند « چقدر بی تربیتی ، هنوز دست چپ و راست خود را نیشناسی ، با بسن بیست نهاده ای و هنوز دست از هوالم کودک کی و حرکان بچه گانه برینداری . » لیدانم اینگونه پدر و مادرها چگونه فکر میکنند ؟

متوقفند که کودک آنها در کوچه و بازار تربیت فرا گیرد و یا خیال میکنند مدرسه

تعلیم و تربیت با نهامیآموزد ؟ فکر سفینی است . پدر و مادری که هرگز تربیت بطفل خود یاد نداده اند چگونه توقع تربیت از کودک خود دارند . آیا کودک خود را مانند آرنن اروپایی به بازار میبرد و میگوید : « طفل عزیز هر کدام از این بارچه ها میخواهی انتخاب کن » او را در فکر و عقیده آزاد میکنند و او را از سنجیدگی طفولیت بافرم واراده بار میآورند ؟

مادران ما عادت کرده اند که طفل را از همه گونه فعالیت باز دارند ؛ اختیار انجام هرگونه کار یا عملی را از آنها سلب کنند ، هاقبتش همان میشود که می بینیم ، دوشیزگان ما بی نشاط ، خجول کم طاقت ، بی صبر و حوصله ، ضعیف و زرد رنگ میباشند . پس مادران امروز ، خوب گوش کنید ، و درست توجه نمایید ، کودک کی که امروز در دامان شما لبخند میزند و شما جوازش را زهر خند میدیدید اگر در تعلیم و تربیتش آنچه وظیفه وجدانی پدر و مادری است بجا نیآورید و در باره او خلقت و سهل انگاری روا دارید ، فردا که او در اجتماع داخل میشود و مادر میگرد ، چه شما در قید حیات باشید و چه از عالم هستی چشم پوشیده باشید بروح شما تفرین خواهد فرستاد و از بخت بد خود که مولود بی حسی شما بوده الان خواهد بود پس چه بهتر که از امروز سعادت فردای دوشیزگان خود را تأمین نمایید و نام نیک از خود بجا گذارید .

## برای مردان

يك ملامت بمراد فهمیم اثر میکنند ، بیشتر از اثر صد تازیانه بمراد جاهل ۱۱ - تو که میدانی هروس و مادر شوهر یا هم ساز کار نیستند پس چرا در فکر تهیه زندگانی مستقلی برای خود و خانواده ات نیستی ، که گفته اند دوری موجد دوستی است . ۱۲ - هزینه تعلیم و تربیت اطفال را بر معارج تفریح شبانه ات ترجیح بده ، راضی مشو که برای تحصیل کتاب یا مداد و قلمی چشمشان تر شود . ۱۳ - بسر جوانت که به سنین بلاغت رسیده ممکن است بدون آنکه خود بفهمد از جاده عفت گمراه و دامنش آلوده شود وظیفه تو است که مواظب و رهنمون او باشی ۱۴ - در موقعی که اوقات تلخ و از حال هادی خارجی منم سعی میکنم زبان در هم کشیده ، مهاجرت نکنم اما تو هم ملاحظه را از دست نده و بین همسر و غیر را حدی قائل باش . ۱۵ - اگر بدانی تعنه ای که با دست خود هدیه عیال و اطفالت میکنی ولو بسیار ناچیز باشد چه تأثیری در روحیه شانت دارد هیچگاه شب با دست خالی بنزل نروای آمد . ۱۶ - اگر دست تنگ شدی با دست تنگی ات میسازم اما تو هم اگر غنی شدی ما را فراموش نکن ( ۱ ) - ۱۷ - عقاید سفیف و اوامر شاق خود را به زن و اطفالت تحمیل مکن تا ازدستورات سرپیچی نکنند . ۱۸ - برای تحبیب خودت نزد اولادان ، به تعقیب مادرشان تن در مده . ۱۹ - زن در سایه تو پناه دارد ، مرد شرافتمند تا حد نهاننشانی از پنهانده خود دفاع خواهد کرد . ۲۰ - میخواهم زنی که بانو و مال اندیش باشم ، پس اگر در تابستان خواستم وسایل راحتی زمستان را فراهم سازم در پرداخت اعتبار آن سرگردانم نکن .

( تکته سنج )

## پاسخ اطلاعات دینی خود را آزمایش کنید

از صفحه ۴۲۴

- ۱ - سیزده تا
- ۲ - ده تا
- ۳ - شصت و سیزده که ۲۴۸ آن امر و ۳۶۵ بی میباشد
- ۴ - فرمان اول : ( هر مردی باید زن اختیار کند تا دارای اولاد شود و آن نام خداوند را ذکر نماید ) فرمان آخر : ( هر کس باید سفر توراقر را برای خود بنویسد یا بخرد )
- ۵ - تعداد پیغمبران اسرائیل ۴۸ نفر است که ۷ نفر آن زن میباشد و اسامی آنها از این قرار است
- ۱ - سارا عیال حضرت ابراهیم ۲ - مریم خواهر حضرت موسی ۳ - دیورا ۴ - حنا زن القانا ۵ - ایقیل زوجه نابال ۶ - حولادا زوجه شلوم ۷ - استر دختر ابی حیل ملکه ایران زن خشایارشا
- ۶ - توراة مشتمل بر ۵ جلد که عبارت از ۵۴ فصل ۱۸۶ باب ۵۸۴۵ آیه ۷۹۹۷۶ کلمه و ۳۰۴۸۰۵ حرف میباشد .
- ۷ - میشنا عبارت از کتابی است که احکام و قوانین توراة را توضیح و دستور طرز اجرای آنها را تشریح مینماید بدینمعنی که احکام توراة حکم قوانین را دارد و میشنا حکم نظامنامه های اجرایی آنها را ( مثلا در توراة وارد است که هر گاه زنی بشوهرش خیانت نمود نوشته بدست او بدهد و او را از خانه خود خارج نماید میشنا طرز اجرای این قانون و ترتیب اجرای طلاق و رسیدگی به - وارد آنرا بسا میآموزد ) نظامات میشنا از دوره حضرت موسی شفاهما بیان شده و سل به سل به دیانیم آموخته می شد تا این که در زمان آبادی « بیت شنی » ( خانه دوم ) انجمنی بنام ( انجمن مقین ) که ۱۲۰ نفر از علمای بزرگ تشکیل شده بود در تحت سرپرستی « هکای - ملاخی - زخریا » سه نفر از پیغمبران آن زمان تاسیس و کتاب میشنا در ۵ جلد تدوین و منتشر شد .
- ۸ - حضرت ابراهیم محل تولدش کنعان تاریخ تولدش در سال ۱۹۴۸ بعد از خلقت و در سن ۱۷۵ سالگی در برون وفات یافت .
- ۹ - ده آزمایش ۱۰ - حضرت ابراهیم

## جنگ سوم

- بقیه از صفحه ۴۲۵
- ۸ - يك ملاح دیگر : اگر يك جنك دیگری واقع شود تقصیر با ما خواهد بود زیرا این دونه متفقین دست بسته نیستند و پیش بینی خطر را مینمایند .
  - ۹ - يك زن - بلی جنك دیگری خواهد شد زیرا در تورات مقدس که میفرمائیم نوشته شده است جنگ تا ابد خواهد بود در صورتیکه این مضمون را بکار نیندند « آ چیزیکه متعلق بشما است نگاهداری کنید و آن چیزی که متعلق بین است من نگاهداری میکنم » پس مادامی که من دست روی مال شما گذاشته و شما را از آن محروم میکنم و شما تقاضا می نمایم که باین امر راضی باشید جنگ خواهد بود .
  - ۱۰ - يك صندوقدار - من از وقوع جنگ دیگری تردید دارم بدلیل اینکه اگر کشوری بخواهد بامریکا یا انگلستان حمله نماید از روی زمین نابود خواهد شد بشرطی که این دو کشور همیشه باهم متحد باشند .
  - از ۵۸ نفر که موضوع بالا سؤال شد ۲۷ نفر جواب مثبت ۱۹ نفر جواب منفی و ۱۲ نفر از اظهار عقیده خود داری کرده اند از ۲۷ نفری که جواب مثبت داده اند ۶ نفر بر علیه اتحاد جماهیر شوروی دو نفر بر علیه انگلستان يك نفر بر علیه مردوی آنها دو نفر بر علیه آژانتین و یک نفر بر علیه ژاپن و يك نفر هم جنگ داخلی را پیش بینی کرده است .
  - بقیه اظهار کرده اند ما فقط مطمئن هستیم که امریکا باید بر علیه دیگری جنگ کند . ( ترجمه عطاء الله لوائی )

## اخبار خار

بقیه از صفحه ۴۲۳

و رئیس هیئت کارشناسان که در نظر دارند ظرفیت فلسطین را برای قبول مهاجر تحت بررسی قرار دهند .

این سه گواه مهم اظهار داشته اند که تمام اسرائیلیهای بی خانمان اروپا مایلند بفلسطین بروند و فقط عده قلبی از آنها هنوز بکشورهای اروپا توجه دارند .

بطوریکه فوقاً ذکر شد تحقیقات کتبه در لندن آغاز گردیده و نخستین هیتی که برای گواهی دادن بنزد ایشان رفته اند ناینده حاخام باشی کل انگلستان و ناینده گان اسرائیل مجلس عوام کشور نامبرده میباشد .

بقراریکه اطلاع حاصل شده کتبه پس از ختم تحقیقات خود در انگلستان فوراً بفلسطین رهسپار خواهد شد و تصور می رود که در اواسط فوریه عزیمت نماید .

بدیهی است که مدیرکل سازمان صیویست جهانی آقای دکتر حیم وایزمن نیز در همین موقع وارد فلسطین خواهد شد تا با کتبه نامبرده همکاری های لازمه را بنمایند . تاکنون محافل فلسطینی هیچگونه اعلامیه ای راجع با اقدامات پیشوایان صیونسم در نزد این کتبه صادر ننموده اند .

## پیام وایزمن به یثوو

آقای دکتر وایزمن رئیس کل سوختو هیهودیت و رئیس تشکیلات صیونیت جهانی در ضمن مسافرت خود بامریکا در حین سوار شدن بکشتی پیام زیر را برای یهودیان ارض اسرائیل فرستاد اینک که من سمت نمایندگی شما را دارا میباشم کاملاً از احساسات و افکار شما واقف و آگاهم و شما قول میدهم تا آنجائیکه از دستم بر آید از حقوق حقه شما دفاع خواهم کرد . ضمناً اضافه نموده که ما در آن طرف اقیانوس دارای دوستان وفاداری میباشیم که بر اساس صحیحی عقاید و افکار ما را قبول میکنند و از روی حقیقت و عدالت از حقوق حقه ما طرفداری میکنند .

درخواستهای بجا و بیورد ما که حاکی از حقوق حقه ما میباشد توأم بانبروهای معنوی و ایمانی است که بالاخره عملی میشود و بدانکه ما بیروز خواهیم شد .

## جنگ بامندرجات کتاب سفید ادامه دارد

ساکنین ناحیه هتکوا اخیراً در حومه تل آویو يك جوانی را که بطور غیر قانونی برای تهیه لباس بداندجا مهاجرت کرده و دستگیر شده بود از دست یاسانان رها و آزاد کردند .

توضیح اینکه ، بعضی ورود یاسانان باین ناحیه جوان فریاد برآورد پس کک کشید میخواستند مرا از کشور خارج کنند . عابرین باشندین این صدا یاسانان هجوم آورده مشارالیه را آزاد و مانع تعقیب یاسانان از او شدند .

۱۰۰۰۰۰ نفر از اهالی رومانی مایل به مهاجرت میباشند خبرگزاری پالکور از مسکو اطلاع میدهد که صد هزار نفر از اسرائیلیهای رومانی که تنه راه علاج درماندگی و بیچارگی خود را مهاجرت بفلسطین تشخیص داده اند برای مهاجرت با آخرین کانون امید خود ارض اسرائیل نام نویسی کرده اند .

## کودگان ستاره نشان

اکنون پدر و مادر خود را از دست داده است همیشه بغض و نفرت است تا آنروز قضاوت بزرگ هنگامی که جزای اشخاصی را که با ما چنین عملی کردند میدهم بیاد داشته باشی . خدا یا بشنو و نگاه کن « هرگز فراموش نکن »

## اگر مادر شدید

سعادت خانواده خود را چگونه تأمین میکنید

۱۵-



هر دو هیزهای موظف است که پیش از آنکه ازدواج کند خود را آماده زندگی پس از ازدواج نماید و پس از آنکه ازدواج کرد بزرگترین وظیفه او جلب رضایت شوهر است و مسلم است شوهری که از بابت خانه خیالش آسوده و راضی باشد با فعالیت و نشاط بکارش خواهد پرداخت و در نتیجه هیچگاه کسل و بی‌مردم بغاه بر نخواهد گشت و محیط آرام و راحت خانه را با اصباحت و جنبان خود بوم نخواهد ریخت و محبت خانواده را کدر نخواهد ساخت.

از اینها گذشته فرزندان که در میان یک خانواده مسیبه و مهربان بوجود آیند اشخاصی فعال، باحرارت و بر نشاط خواهند بود - وظیفه مادر است که روح ایمان و وظیفه شناسی را در فرزندان خود بدمد و فرزندان را با تقی و فداکار و وظیفه شناس تقدیم جامعه نماید زیرا « دستی که گهواره را می جنباند دستی است که دنیا را تکان میدهد » من نیز اگر مادر شوم از کارهای بالا بیرونی خواهم کرد.

« دوشیزه هلن نصیر زاده »

۱۶-

من اگر مادر شوم بیوسته سعی میکنم که آداب و خلق پرستی و نوع دوستی را در دل فرزندانم جای دهم و هیچوقت چششان بر مال و ثروت و یا خوشبختی و بدبختی دنیا نباشد. تاجان دارم میکوشم که جامعه ارتجاع نباشد و پیراهن آزادی را دامن گیرند و بتوانند در هر گونه سختی هابه میهن عزیز خود مساعادت و جان خود را در برابر او فدا نمایند.

شیراز، دوشیزه احترام یعقوب زاده

## ترجمه کنید

به بهترین جوابها  
۴ قسمت عالم یهود  
جایزه داده خواهد شد  
ترجمه ها باید با  
یکریال تمبر همراه  
باشد.



۴۳۰-

## برندگان جوایز مسافرت از کرمانشاه به تهران

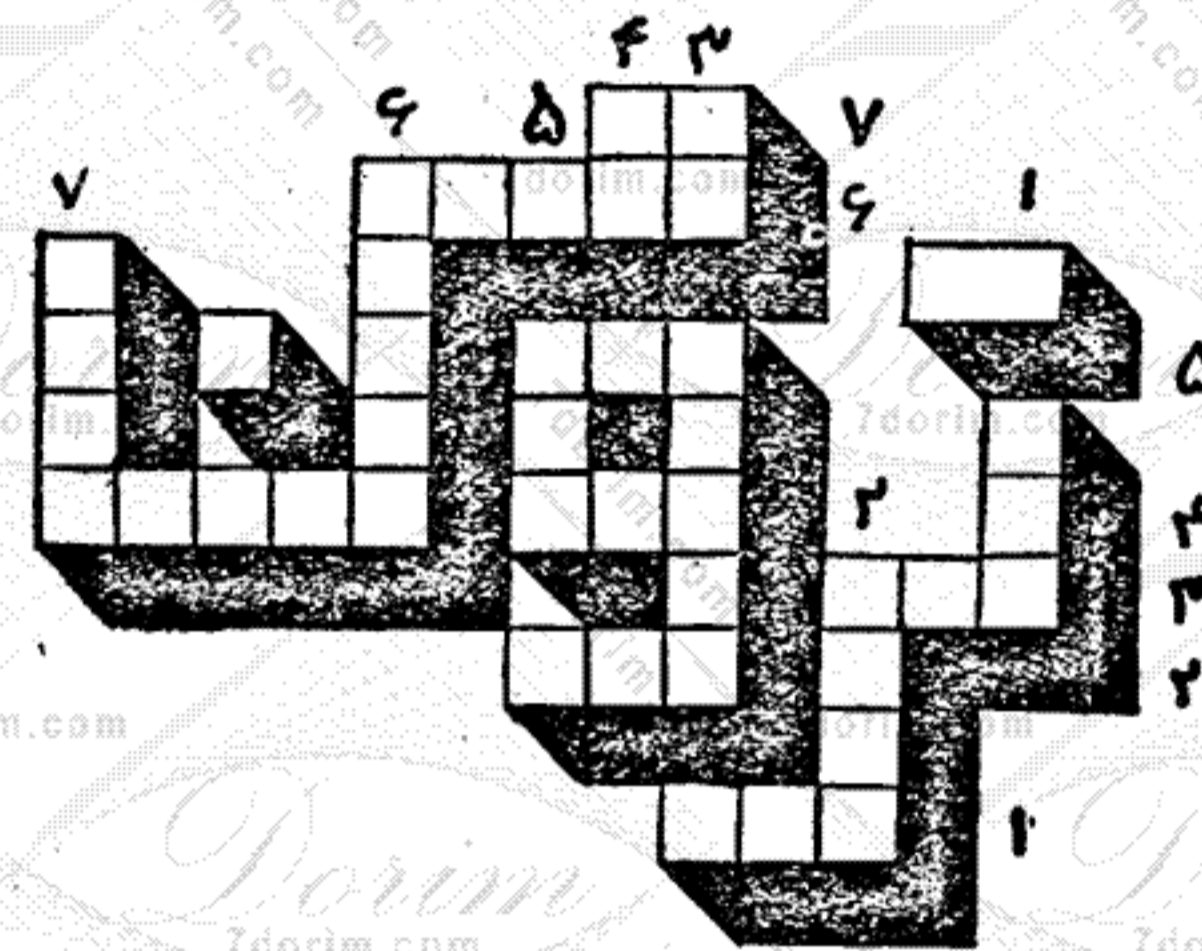
قسمت ۱۸

در این مسابقه عده زیادی شرکت نموده و کلیه مسافری بدون انحراف از جاده توانسته بودند از کرمانشاه خود را به تهران برسانند ولی چون عده ای از دادن کرایه امتناع نموده بودند لذا از شرکت در قرعه کشی محروم گشتند اینک نام اشخاصیکه واجد شرایط بودند

**از تهران:** دوشیزه اشرف زرفی - وجیه انس - نصرت لاری جلیله نهروای، ملوک چاپچیان، و آقایان شاپور صداقت، سعید حکیم، عبدالله لاری، نورالله موسانی، یحیی صوفریان، الیاس شالم بابائی

**از شهرستانها:** دوشیزه فرنیس استوار ربانی و آقایان منوچهر کهن، نسیم دلرحیم، هوشنگ فرهنگ، انور ظهیر، خلیل حکیمی، مراد سعادتند ۱۰ یوسیان.

دوشیزه ملوک چاپچیان از تهران و آقای ا. یوسیان از شهرستان ها طبق قرعه برنده شناخته شدند



## طرح کننده جهانگیر پوراتی

افتی - ۱ - دهر ۲ - بهشت برین ۳ - معکوش نام یکی از پسران یعقوب است ۴ - پارچه تابستانی - جائیکه نمی مروید ۵ - موهای پشت کردن اسب ۶ - یکی از دشمنان بزرگ یهود ۷ - پایتخت یکی از ممالک اروپا

**عمودی - ۱ -** از آسمان بارید ۲ - یکی از پادشاهان بزرگ یهود ۳ - مخفف راه - یکی از پسران یعقوب ۴ - من و تو ۵ - سخن نیکوید ۶ - یکی از ماههای عبری ۷ - در همدان مدفون است جدول فوق را حل نموده با یک ریال تمبر بفرستید به ۲ نفر بحکم قرعه ۴ قسمت از این کتاب داده خواهد شد -

باقی از صفحه ۴۲۴

## شالیانین

معرفی نموده و اندکی او را سرگرم تلاشای باغ نمود و پس از اندکی تامل دومرتبه براه افتادند.

شالیانین رفین جوان خود را بهین طریق تازدیک مهبانخانه برد و آن نگاه خنده بلندی کرده و گفت، بلاشک از کار امروز من خندهات خواهد گرفت و شاید درست بملت آن پی نبرده باشی و اما این اندرز را همیشه از من بخاطر داشته باش، هیچوقت خود را معذت مکن بخیال اینکه میان تو و مقصود مسافت بسیاری وجود دارد، و جای هیچگونه نگرانی و اضطراب برای خود باقی نگذار و همیشه فکر کن دریست و چهار ساعت آینده باچه چیزهای مسرت انگیز هر قدر هم که مختصر باشد روپرو خواهی شد آنوقت درک خواهی کرد که بایسودن یک مسافت طولانی هیچ خسته نشده و درانده فرو نرفته ای و در امیدواریت رسته ای پدیدار نگشته است.

اقتباس - شاهی

## قصه کودکان

### قاصد زرننگ

۵-

یوسف کوتوله بقدری خسته شده بود که توانست خود را برارگاه سلطنتی برساند و چون چند ساعتی وقت داشت همانجا کنار رودخانه در سایه نیزاری از فرط خستگی خوابش برد.

از قضا در همین موقع یکی از شاهزادگان که از سران سیاه بود و برای شکار کبوتران بساحل رودخانه آمده بود یوسف کوتوله را با نشیور و گرز سلطنتی و نامه دختر پادشاه دید با یک کسان خود دست و پای یوسف کوتوله را بستند و میان رودخانه پرتاب کردند.

سپس شمشیر و گرز سلطنتی و نامه شاهزاده خانم را برداشته و بنام و خندان بچادر سلطنتی رفت و بحضور شاه شرفیاب شد و زمین ادب بوسید و عرض کرد اعلیحضرتا بنده شخصاً برای آوردن شمشیر و گرز سلطنتی بیانتخت رفتم و این هم عریضه شاهزاده خانم است که باستان مبارک تقدیم میدارم و آن پسر یوسف کوتوله که تعهد کرده بود سه روزه گرز و شمشیر را برساند گمان ندارم سه سال دیگر هم بتواند از عهده انجام این خدمت بر آید.

پادشاه از مراتب خدمتگزاری شاهزاده که ریاست بکمد سوار را بعهده داشت اظهار رضایت فرمودند و طولی نکشید که عملیات جنگی بر علیه مملکت طاعنی شروع شد و پادشاه با فتح و ظفر کامل شکست مدهشی قوای کبوتر طاعنی وارد آوردند و سلطان یاغی را باسارت گرفتند و نظم کامل از سر تا سر مملکت برقرار فرمودند.

اما یوسف کوتوله وقتی دست و پای او را بستند و میان رودخانه پرتاب کردند یکی از همان پیر مردهای نورانی که آن ردها را باو یاد داده بود کبر یوسف را گرفته و بانگ زد (فرزندم خدا کسی این کسان است) تو بقست و نصیب خود میرسی و آن شاهزاده نا نجیب هم بسزای اعمالش خواهد رسید و گرفتار قهر و غضب شاه خواهد شد اما چون تو از انجام وظیفه ای که در موقع مهم بعهده ات واگذار شده بود غفلت کردی مدت سه سال سرگردان و در زحمت خواهی بود و بعد از سه سال فتح و ظفر با تو است. پیر مرد نورانی کبر یوسف کوتوله را گرفت و بقر رودخانه فرو برد و یاسبانی و مهمان داری او را بعهده یکی از آدم های آبی واگذار کرد و خودش غیب شد.

یکسال تمام گذشت بیچاره یوسف کوتوله از فرط قضا و دلتنگی داشت دق میکرد و بدرگاه خدا راز و نیاز مینمود که بزودی از محبس زیر آبی نجات یابد. دعایش مستجاب شد و پیر مرد نورانی بسرغش آمد و برسد، فرزندم معلوم می شود خیلی در این دیار تو سخت گذشته است میل داری بوطن اولیت سر زمین آمدهای خاکی مراجعت کنی!

یوسف کوتوله از زیارت جمال نورانی پیر مرد خوشوقت شد و عرض کرد، پدر مهربانم منتهای آرزویم همین است. پیر مرد نورانی تبسی کرد و کبریوسف کوتوله را گرفت و در دل شب از محبس زیر آبی بیرونش آورده و در ساحل رودخانه همانجائیکه خوابش برده بود گذاشت. یوسف کوتوله از فرط خوشحالی سجده نموده شکر خدا را بجا آورد و دست نمازی گرفت و گفت، بارالها زودتر هوا روشن شود و چشم زیارت جمال خورشید منور اندم منکه از وحشت تنهایی و تاریکی دق آوردم. هوا کم کم روشن میشد که دستی آمد و کبر یوسف کوتوله را چسبید و باز بقر رودخانه فرو برد (بقیه دارد)

## مسابقه زیباترین

### کودکان



والانتین نظریان  
فرزند آقای ز نظریان  
متولد تهران - ۱۵ ماهه

زیبا ترین کودکان یک  
کلدان نقره جایزه  
داده میشود

## شرکت کنید

عالم یهود در نظر گرفته است برای تشویق محصلین یهود عکس شاگردان اول هر کلاس را بچاپ رساند. لذا بدین وسیله از اولیای نوآموزان و دانش آموزان تقاضا میشود که عکس محصلین مزبور را با ذکر نام مدرسه و معدل و معرفی نامه دبستان یا دبیرستان مربوطه برای ما ارسال دارند.



(عکس ست راست آقای مسعود ملامد)

شاگرد اول کلاس پنجم در سال ۲۳ و شاگرد دوم کلاس ششم در سال جاری در دبستان کورش.

بقیه از صفحه ۴۱۹

## بزرگان یهود را بشناسید

امروز هم در مخابرات تلگرافخانه از اختراع او استفاده کرده و همان خط نقطه هارا بکار میرند؛ از طرف کنگره امریکا برای ایجاد خط تلگرافی بین واشنگتن و یتسور مبلغ سی هزار دلار در اختیار او گذاشتند و در سال ۱۸۴۴ توانست مطالبی را باین ترتیب بکش نماید. مورس با این اختراع خود افتخار و ثروت بسیاری کسب نمود و در سال ۱۸۷۲ در سن ۸۱ سالگی جهان فانی را وداع گفت - در عکس صفحه ۴۱۹ مشار الیه در موقع کار پشت میز بزرگی که دستگاه تلگرافی خود را قرارداده و منبع برق نیز در صندوقی زیر میز قرار گرفته نشان داده میشود. «مشهد: س دیلمانی»

## تاریخ مختصر صیونیزم

منتشر شد از خواندن آن غفلت نفرمائید



نشانی دفتر  
چهار راه رازی

عنوان تلگرافی  
«ها و لام»

# عالم امروز

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۱

۵ ریال

قسمت

۲۶



چهار راه کنت خیابان منوچهری  
فرشماهی ۹ ماهه بدون الکتریک  
بلند، درشت، سیستم جدید، فرگرم و سرد  
توالع عروس و مایکور باسرع وقت  
۱۰-۶

### اخطار به مشترکین

مشترکین محترمی که با دریافت این  
قسمت آ بونه آنها پسر میرسد متنی است  
آ بونه خود را با پرداخت ۱۸۰ ریال  
برای چهل قسمت یا صد ریال برای بیست  
قسمت دیگر تجدید فرمایند. ۳۰-۷



### مژده

مهمانخانه شهرداری  
مهمانخانه شهرداری در تمام مدت  
سال با بهترین موزیک داترو برای مهمانی  
های کوچک و بزرگ و عروسی با نازل  
ترین قیمت مهیا میباشد.  
مدیر مهمانخانه - محمود یکانگر  
۳-۲

بشارت بخانواده های دختر دار  
چهار راه کنت - مغازه بوستان  
همه نوع حوله جات بالترمی قدیم  
رو میزبهای کار دستی اصفهان و تخیهای  
باقنتی با اجناس خرازی را میتوالید بقیتمتوا  
خیلی ارزان خریداری فرمایید سفارشان  
کلی و جزئی پذیرفته میشود.  
۴-۴

### هنرستان فنی

در دبیرستان اتحاد هنرستان خیاطی  
برداری دوزی و برش تحت نظر خانم  
دیله از صبح تا عصر دائر و برای تلم  
مجانی بانوان و دوشیزگان آماده میباشد  
داوطلبان میتوانند هر روز تا ساعت  
یازده بدفتر دبیرستان مراجعه نمایند. ۴-۴

ن ۰۰۰۰

## ژنده پوش

فانتزی

میکند و بدون فر اولی ملحق شده در خم کوچک اابدید  
میشود

### ارمغان بهمن

زن ژنده پوش، سراپا گل آلود در  
کنار دیوار کوچک از حال رفته است،  
چشمایش بی نور و دندانهایش کلبه شده  
رهگذران بسرعت میگرددند و بخار مطبوعی  
از دهانشان بیرون میچینند...  
رهگذر اولی: (دامن پالتو خود  
را بالا گرفته با احتیاط و نفرت از کنار  
زن تیره بخت میگردد)  
:- حتماست کرده است دوره خرابی  
است زنها مثل مردها میخورند و بدتر  
از آنها مست میکنند و بی احتیاط تر از  
آنها کنار کوچک می افتند...  
زن: (باناله ضعیف) گرسنه ام...  
رهگذر دومی: (خیره بروی زن  
نگاه میکند) چه گونه های سرخی  
صاحب این گونه ها هرگز گرسنه است؟!  
رهگذر اول: (۲۰ قدم دور  
شده است فریاد میزند)  
سرخی گونه ها از (مشروب) است  
فریب مغزور! اگر بهمه این حقه  
بازها کدک کنیم خودمان باید توبره  
گدایی کردن بیندازیم!  
رهگذر دومی: حرفهای تو ذیقیت  
است من باین ریاکاران هرگز کمک نخواهم  
کرد.  
(می رود)

۱- شب میرسد... زن ژنده پوش ساعتها است  
جان سپرده. دو قطره اشک در گوشه چشمانش نیش زده  
و منجمد است.  
از دور - خیلی دور نوای والس اشتراوس  
با صدای قهقهه و پای کوبی بگوش میرسد.  
سه راهگذر صبح باهم داخل کوچک میشوند.  
بیخ های گل آلود مثل خورده شیشه زیر پایشان صدا  
میکند کوچک تاریک و خلوت است.  
پای یکی از آنها بجسد زن میخورد  
:- آه این چیست؟  
دومی: (کبریت میزند) همان زن خوشگل  
صبحی است!  
سومی: آه عجب جان سخت است! هنوز  
اینجا نشسته است.  
اولی: (کبریت دیگری میزند) چیزی  
باو بدیم?  
سومی: بکیر اینت دهشامی را...  
آه مرده است!  
دومی: لپایش کبود نیست؟  
اولی: (باز کبریت میزند) بیخ کرده است  
دومی: پس راست میگفت گرسنه بود!  
:- برویم.  
:- تقدیرش این بود.  
:- روحش از سرمای اینجا بکرمای جهنم گریخت  
صدای سنگینی بگوش میرسد  
:- وای بر شما...  
سه نفر متوحشانه بهم مینگرند  
: شنیدی؟  
:- آری!  
:- (با خنده زورکی) گویا باد بود که در  
شاخه درختها پیچید!  
:- برویم...  
:- برویم؟ آخر این زن!  
:- او همیشه خدارا صدا میزد.  
:- لابد همان «خدا» اورا ضبط خواهد کرد  
(هرسه میخندند)  
صدای جدیدی بگوش میرسد و ماده که تازه بالا  
آمده است مثل همیشه سرد و ساکت باین منظره  
می تگررد.  
«پایان»

از سفر انبهای اخلاقی و مذهبی و اجتماعی  
که شبهای دو روزه توسط انجمن روحانی در  
سالن کنسای ملاحظینا منعقد میشود استفاده  
نمایید  
۳۰-۲

۲- دندان های زن ژنده پوش بهم  
میخورد و تندتند نفس میزد.  
:- میبیم... می... میبیم...  
رهگذر سوم: (با نفرت زن را  
نگاه میکند)  
آه اگر صبح ۵ سیر غسل و مرپا  
هم صرف کنیم دیدن روی این حقه بازها  
همه را بدشانم زهرمار خواهد کرد!  
زن: (با چشمان نیمه باز و صدای  
حزن انگیز) رحم کنید.  
رهگذر: آه که دل خود را چه  
خوب بازی میکند.  
رهگذر اولی: (سر کوچک خم  
شده بند کفش خود را محکم میکند و  
فریاد میزند)  
:- رفیق! پرده اولش را ما تماشا  
کردیم.  
:- عالیست! (میخندد)  
:- فریب خوردهی؟  
:- هرگز! (قدم ها را تند  
- ۴۳۲ -



رجوع شود به صفحه ۴۸